

کارگران جهان متحد شوید!

بیکار

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۲ اسفند ۱۳۵۹ بهای ۳۰۰ ریال

در صفحات دیگر این شماره:

- قانون "سود ویژه": زمینه‌ای برای اوگیری جنبش کارگری - صفحه ۳
- بيشمرگان بیکار نیروهای دشمن را به کمین انداختند - صفحه ۵
- نامه سرگشاده جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی - صفحه ۹
- سخنی بادیگاه سوم "وحدت انقلابی" - صفحه ۱۱
- ویتنام و تزه‌های رویونیستی "له‌دوان" (۱) - صفحه ۲۹

باز هم خرید اسلحه و استخدام مستشاران نظامی!

صفحه ۱۹

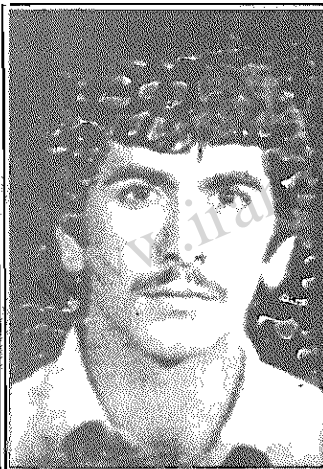
مقاله

لیبرالها و مسئله "چماقداری"

در روزهای اخیر ما شاهد نمونه‌های فراوانی از برخورد شدید میان لیبرالها و حزب حاکم بوده‌ایم که این خودبنا نگر ورود این اختلافات به سطح بالاتر و همراه با مضمون کیفی جدید است. اگر تا دیروز این برخوردها در حد درگیریهای لفظی و با ضرب و شتم بصورت محدود بود، اینبار سطح درگیریها و کیفیت آن کاملاً تغییر یافته و ضرب و شتم و ترور یعنی سوان یک شیوه مورد استفاده حزب حاکم در برخوردش با لیبرالها قرار گرفته است. در این میان لیبرالها میکوشند تا در برخورد به شیوه‌های فاشیستی و سرکوب‌گریبان جنبش توده‌ای توسط حزب جمهوری خود را طرفدار آزادی و طرفدار توده‌های مردم جا زده و به آنها اینطور وانمود میکنند که گویا مخالف سرکوب و جترو و خفقان هستند. و البته این برای اولین بار نیست که لیبرالها دست به بقیه در صفحه ۲

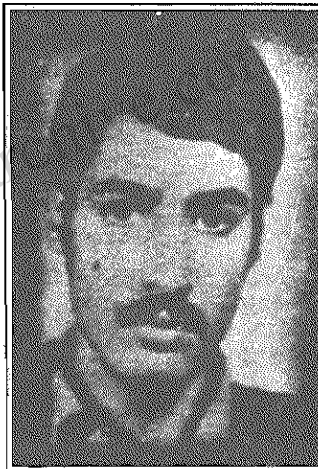
رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) و معیارهای اخلاقی بورژوازی

صفحه ۱۳



رفیق شهید

محمد سلطه‌ماسبی زاده



رفیق شهید

محمود صمدی

جنایتکاران دو کمونیست بیکارگر را بخون کشیدند!

صفحه ۷

از ۲۵ دی تا ۱۵ بهمن در مهاباد چه گذشت؟

صفحه ۵

تظاهرات بیکارگران در آمل

و سراوان بخون کشیده شد

صفحه ۲۵ و ۲۶

فخرالدین حجازی: "عصاره انقلاب"

یا چاپلوس درگاه نوکران شاه؟

صفحه ۲۱

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ **سرمقاله**

چنین عوا مغربیی میزند. آنها در زمان رژیم شاه نیز در شرایط اوج گیری جنبش توده‌ای، برای مهار ساختن جنبش و انحراف آن از جهت اصلی و حفظ منافع طبقه بورژوازی عموماً و تا مبن منافع لیبرالها و سهم شدن در قدرت سیاسی خصوصاً، شروع به توشن نام و عریضه به "اعلیحضرت آریامهر" شدند و در آن تا آنجاکه توانستند در مذمت دیکتاتور فردی و عوارض خانمان برانداختن سخن راندند. آنها از شاه میخواستند که اگر طالع حیات و قدرت سیاسی خود هست، باید اندکی و فقط اندکی از فشار دیکتاتور مطلقه خود بکاهد و بعنوان سوپا اطمینان از "تفویض" خرده آزادی های لیبرالی دریغ نکند همین آقای مهندس بازرگان که تا آخرین روزهای حکومت شاه خواستار ابقای او و حفظ سلطنت بود، در برابر کشتار و وحشیانه توده های مردم توسط چکمه پوشان رژیم آریامهری اظهار داشت که چرا تا وقتی از ماشین آب پاش برای پراکندن مردم می توان استفاده کرده شما از گلوله استفاده نمیکنید؟ لیبرالها در دیکتاتور مطلقه شاه مرگ سیستم و طبقه ای را میدیدند که خود جزئی از آن بودند. آنها نه در غم منافع توده ها که در پی حیات و منافع خود بودند. آنها از بورژوازی کمپرادور در قدرت، درخواست میکردند که اندکی جمع تر بنشینند و برای آنها هم برای نشستن جایی را در نظر بگیرد. بالاخره دعوی آقای بازرگان و لیبرالهای "محترم" با رژیم شاه دعوی میان دلدادگان بود، دعوی میان دو قشر از یک طبقه دعوی بر سر چگونگی حیات و حفظ طبقه و اعمال این با آن شیوه سرکوب جنبش توده ای.

و دیدیم که چگونه لیبرالها به "مشروطیت" خود رسیدند "و به برکت خون هفتاد هزار شهید و صد ها هزار معلول و اسیر بکمک باران خسرد - بورژوازی خود و همراه با آنان به قدرت تکیه زدند و کوشیدند تا با سوار شدن بر امواج انقلاب نه تنها خود را به ساحل مزاد برسانند، بلکه از شدت وحدت آن بگاهد و مانع از آن شوند که امواج خشم توده ها با به های سیستم سرمایه داری وابسته را داغان نماد، آنها نه تنها از نابود شدن ارتش توسط توده های نهرمان در خلال قیام خونین بهمن جلوگیری کردند، بلکه از همان فردای غصب قدرت سیاسی، با سازی آنها در دستور فوری و در جریان اول خود قرار دادند، چرا که بخوبی میدانستند، با سازی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم که هدف اصلی آنها را تشکیل میداد تنها از طریق ماشین سرکوب دولتی و در رأس آن ارتش و نیروهای انتظامی امکان پذیر خواهد بود. لیبرالها از همان فردای قیام کوشیدند تا روابط خود را با امپریالیستها و بویژه امپریالیسم آمریکا که در سایه قیام توده ها و نابودی رژیم سلطنتی شاه

دچار اختلالات جدی شده بود، سهیل و بیخنده و با صلاح آب رفته را بجوی بازگردانند.

روشن است که لیبرالها در تمام این کوسن ها و اقدامات ضد مردمی خود تنها نبودند و همواره از همکاری و همکامی صمیمانه دیگر بخش های بورژوازی که در شوروی انقلاب و حزب لانه داشتند و همچنین خرده بورژوازی مرفه سنتی و از آن جمله آیت الله خمینی برخوردار بودند. اما دیری نگذشت که سرمایه تها دهای موجود دعوی قدرت بر میان جناح های حاکم بالا گرفت و خواب خوش لیبرالها را که ایزار کلیدی قدرت را در اختیار داشتند بیهوده و حناج، دیگر بنده زنجیر نیروی فائقه را در قدرت بدست گرفت و لیبرالها را یکی پس از دیگری از مواضع کلیدی و حسان حکومت کناره زد.

اکنون که لیبرالها در قدرت سیاسی در موضع ضعف قرار گرفته و همواره از سوی جناح حزب در اینجا و آنجا تحت فشار قرار دارند، مدای مخالفت خوانی را که البته در گذشته نیز وجود داشت رسا تر کرده و با تنگ و فربا دربر داشته اند که استبداد دیکتاتور توری جزا راه است و اگر برای آن جاره ای اندیشیده نشود انقلاب در خطر است. بنی صدر و دیگر همپالکی های او از نبودن آزادی و مصون نبودن جان و حیثیت افراد و فروریختن ارزشها خود را نگران نشان میدهند و آنچنان از شکنجه و زندان نیان سیاسی، ترور و عدم امنیت قضایی، حمله به اجتماعات و تظاهرات و عدم امکان فعالیت گروه های سیاسی داد سخن میدهند و خود را سینه جاک آزادی نشان میدهند که گوئی تنها همین دیروز آنها نبودند که فرمان کشتار خلسق کرد و ترکمن را صادر کردند، برآستی جنبش کارگران بیکار و روشاغل در اکثر نقاط ایران به دستور چه کسانی بخون کشیده شد؟ مگر همپالکی شورای انقلاب که آقای بنی صدر و بازرگان و یاران لیبرالشان نیمی از کرسیهای آنسرا اشغال کرده بودند، نبودند که حکم بر نفوس و ویژه کارگران داد؟ ما و ما یعنی ما و اک جدید توسط چه کسانی پای گرفت؟ "قانون ویژه" که بر اساس آن با ساداران و مزدوران ارتجاع را بر زندگی و حرکت کارگران در کارخانه حاکم می ساخت، مگر توسط شورای انقلاب تصویب نشد؟ تحدید عملی قانون ۱۳۱۵ رضا خانی در باره ممنوعیت فعالیت گروه های کمونیستی و انقلابی و محکومیت آنها توسط چه نهادی جز همین شورای انقلاب تصویب و تائید نگردید؟ مگر همین آقای بنی صدر نبود که امسال را سال امنیت نامنها دو منظور را از امنیت در خطاب به ارتش اینطور بیان کرد که شما حق ندارید تا زمانیکه کردستان را سرکوب نکرده اید برونس - هاستان را در آن ورید؟ حمله به دانشگاه و کشتار دانشجویان کمونیست و انقلابی با تائید و همکاری چه کسانی جز بنی صدر و دیگر لیبرالها

صورت گرفت؟ مخالفت بنی صدر با ترور رهبران خلق ترکمن آیا جز این بود که گفت آنها بجای ترور باید اعدا میشدند؟! حمله ارتش به کردستان برای دومین بار در اردیبهشت ۵۹ به دستور چه کسی صورت گرفت؟ موضع آقای بنی صدر و لیبرالها در برابر کشتار گروه گروه مردم بی دفاع روستاهای کردستان چه چیزی جز تائید بوده است؟ آیا ممنوعیت انتشار و قفسروشن نشریات کمونیستی و انقلابی و دستگیری و شکنجه و تیرباران کمونیستها و انقلابیون جز با تائید و تمذیق بنی صدر صورت گرفته است؟ باز سازی ارتش، سکا رگماندن فرماندهان مزدور ارتش امریکائی و خرید سلاحهای سنگین و سبک از امپریالیستهای غربی و تروری به دستور و با تائید چه کسی جز بنی صدر فرمانده کل قوا صورت گرفته است؟ در یک کلام مگر نه اینست که با سازی سیستم سرمایه داری وابسته و حفظ یا تجدید بسیاری از قرار دادهای امپریالیستی و سرکوب جنبش توده ای توسط رژیم صوری گرفته که در آن لیبرالها و از جمله بنی صدر نقش فعال و در مواردی غالب را داشته اند؟

پاسخ این سوالات در تمام موارد مثبت است و خلق ما نه تنها در گذشته نزدیک بلکه هم اکنون نیز شاهد است که لیبرالها و در رأس آنها بنی صدر، علیرغم تمامی اختلافات خود با جناح حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی آنجا که پای حیات کل سیستم و جنبش اعتراضی و انقلابی توده ها مطرح است، دست در دست حزبیها و مشترکاً چماق سرکوب خود را بر سر مردم زحمتکش ما فرود می آورند و کوچکترین سختی هم از آزادی و دموکراسی برای توده ها و نیروهای انقلابی مطرح نبوده و نیست.

بنی صدر در سخنرانی ۲۲ بهمن همان گفته ۱۲ فروردین خود را تکرار کرد و گفت باید دادا شد به باشید که من این سال را سال امنیت نام نهادم و این میسر نمی شود مگر با کوشش و فداکاری (بخوان سرکوب و کشتار) ارتش جمهوری اسلامی. اگر امروز بنی صدر و لیبرالها ندای مخالفت با "چماق داری" را سرمی دهند، این شبهه معنائی آزادیخواهی و دفاع از منافع توده ها و مخالفت با دیکتاتور بورژوازی، بلکه صرفاً نخواستار مخالفت با جناح حزب بر سر تصاحب سهم بیشتری از قدرت و تیرب دادن توده های هر چه وسیعتر و جلب و جذب آنها بسوی خود میباشند. اختلاف آنها با حزب نه بر سر دفاع از آزادی و استقلال و دفاع از خواسته های دمکراتیک توده ها، بلکه بر سر چگونگی با سازی این سیستم و نحوه سرکوب جنبش توده ای است. آنها بر سر اصل با سازی سیستم و سرکوب جنبش توده ای کوچکترین اختلافی با ساداران و مزدوران قبل با نکدیگر "مبتاق وحدت" بسته اند.

بقیه در صفحه ۲۷

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

جنبش کارگری



کارگروندان آزاد باید گردند!

سیمان تهران:

کارگران این کارخانه در ادامه مبارزاتشان برای گرفتن سودویزه، روز سه شنبه ۵۹/۱۱/۲۱ اجتماعی تشکیل داده و در بارها اینکه سودویزه حق مسلم کارگران است و باید پرداخت گردد، صحبت کردند. زمانیکه ۲ ساعت از تشکیل این اجتماع میگذشت ویکی از کارگران مبارز محبتش نام شد، فالانژهای انجمن اسلامی او را دستگیر کرده و تحویل یکی از پاسداران میدهند. پاسدار مزدور تیز به ضرب و شتم کارگر مبارز را با دستها خسته و زمین زدن بر چسب همیشگی "فدا انقلاب" به وی، او را به کمیته میبرد که این عمل با اعتراض کارگران مواجه شد. آنها در مقابل چشمان خود حمایت پاسداران سرمایه‌داران و فدیتشان با کارگران را مشاهده کردند. کارگران و شورای کارخانه برای آزادی این کارگرمبارز که اکنون چند روز است که در زندان اوین بسر میبرد، به تلاش خود ادامه میدهند.

هشیاری کارکنان جنگزده صنعت نفت چپله‌های رژیم را خنثی میکند!

اخیرا حدود ۴۰۰ نفر از کارکنان جنگزده صنعت نفت مقیم شیراز را برای انتقال موقت به پایلایسکا ه شیراز بتروشمی و گامز میفرستند، تا مشغول کار شوند. کارکنان که بخصوص بعد از جنگ به ما هیت ضد کارگری رژیم پی برده اند به تحقیق در مورد چگونگی پرداخت حقوق و مزایای خویش میپردازند. آنها متوجه میشوند که هیچ گونه تضمینی در مورد دادن حقوق کاملشان، مسکن و خوابگاه وجود ندارد. بهمین جهت کارکنان روز ۵۹/۱۱/۲۱ بطور دسته جمعی به محل ستاد (پاسگاه صنعت نفت) رفته و ضمن اجتماع اعتراض آمیز خود خواستار زیاده‌های سرپیچ مسئولین میشوند. اما مسئولین ستاد پاسگاه قابل قبولی نداشته و مثلا برای رفع مشکل مسکن جنگزدگان وعده میدهند که با هلال احمر مذاکره کرده و تقاضای چادر کنند! کارکنان مبارزه هدف دولت از اینگونه اقدامات که چیزی جز متفرق کردن کارکنان نیست را در اجتماع خود افشا میکنند و برای پیگیری در رسیدن به خواسته‌هایشان تشکیل اجتماع دیگری را در روز ۵۹/۱۱/۲۲ اعلام مینمایند.

قانون "سود ویژه": زمینه‌ای برای اوجگیری جنبش کارگری

منظور از انتقال فشار بحران سردوش کارگران و زحمتکشان انجام دهد. آنچه اکنون مورد بررسی ما قرار میگیرد، توضیح مسئله سود ویژه و سر خوردن رژیم‌مدان و عکس العمل جنبش کارگری نسبت به این مسأله و بررسی شعار صریحی است که می‌بایست در این رابطه مطرح گردد. ۱- سود ویژه چیست و به چه منظوری بوجود آمده است. سود ویژه در حقیقت جزئی از حداقل دستمزد کارگران است که بعنوان "سود ناشی از تولید کارگر" به آنها پرداخت میگردد. طبقه سرمایه‌دار بقیه در صفحه ۴

رژیم جمهوری اسلامی که حافظ سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم است، با بحرانهای عمیق اقتصادی روبرو است و روز به روز سرشت بحران افزوده مینماید. لیکن رژیم جمهوری اسلامی میکوشد فشارهای ناشی از بحران را بر دوش کارگران و زحمتکشان منتقل کند تا خود را در امان نگاهدارد. افزایش تورم، افزایش نرخ کالاها و چون بنزین و... افزایش مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم، گوشه‌هایی از انتقال بحران به دوش کارگران و زحمتکشان است علاوه بر آن کمبود ما بحران اولیه، افزایش ساعت کار کارگران و آخرین حرکت، کاهش میزان سود ویژه از جمله اقدامات دیگری است که رژیم به

از شروع جنگ تا کنون در کارخانجات چه میگذرد؟

آن واقع گشته و ذهن کارگران از مسیر مبارزاتشان سوی جنگ سرمایه‌داران منحرف گردید. بطوریکه در روزهای اول جنگ همه حابثت جنگ و عملیات نظامی رژیم مطرح بود. تبلیغات کرکننده رژیم در مورد "دفاع از میهن" نیرساده این امر را من سرزد، انجمن ایلامی کارخانه (ابن پاسدار) منافع سرمایه‌داران، بر فاعلستهای ضد کارگری افزوده و از تعدادی از کارگران جهت اعزام به جبهه‌ها منویسی عمل آورده بود. البته تا گفته‌ها نند که کارگران درک درستی از رفتن به جبهه‌ها نداشته و غالبا به (دنیا لهروی از جریان عمومی جا معده که توسط رژیم‌مدان زده میشد، میپرداختند. اما از همان ابتدا هم بخشی از کارگران نگرانی خود را نسبت به آبنسده جنگ وانسکه میتوانند سرنوشت ناخوشا بنده بر اینان داشته‌باشد، از سازماندهی شدند. بخصوص از اینجهت که سلطت نداشتن هیچگونه سازماندهی حتی مفروض بودن، نخواهند توانست شکم زن و سجه خود را سر کنند.

با گذشت زمان و ادامه جنگ کارگران کم‌کم بقیه در صفحه ۳۱

۲- کارخانه سیتروتین:

یکی از مسائلی که قبل از جنگ در کارخانه مطرح بود، مسئله لغو سود ویژه توسط رژیم و پرداخت ۲ ماه حقوق بجا آن بود. کارگران که سابقا حداقل معادل چهار ماه حقوق، سود ویژه دریافت میکردند و علاوه بر آن در سال گذشته ۲۵۰۰ تومان هم عیدی گرفته بودند، با ناباوری نسبت به اجرای قانون جدید نگریسته و آنرا عملی نمیدانستند. کارگران مصممانه ابراز میداشتند که با این حق ما ست و حتی آنرا از گلوبشان بیرون خواهیم کشید. مسئله دیگر، طبقه بندی مشاغل بود. کارگران که بعضی از آنها حتی نسبت به همکاران خود کمتر حقوق دریافت میکردند. همگی خواهان افزایش دستمزد خویش بودند. اما هنوز هم حقوقشان افزایش نیافته است. علاوه بر همه اینها گرانی روز افزون و بی حد و حساب ما یحتمل از زندگی کارگران، آن - چنان فشاری برگرداند آنها وارد میگرد که مواج ناراضی و اعتراض روز بروز گسترش مییافت. با آغاز جنگ ارتجاعی میان رژیمهای ایران و عراق، تمامی مسائل مذکور موقتا تحت الشعاع

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



بقیه از صفحه ۳ قانون

دارا را بنظر بقیق میکوشد و ولادستمز در سمسری کارگران را هر چه بیشتر محدود نماید و پرداخت بخشی از اترکه بعنوان سودویژه خوانده میشود در رابطه با میزان سودبری کارخانه که در هر سال میتواند تحت عوامل گوناگون تغییر نماید، متناسب نماید. بدین ترتیب اگر رکودی در امر تولید بوجود آید، میزان سودویژه کارگران عملاً کمتر میشود و تحت تابعیت میزان سودآوری کارخانه قرار دارد. بنابراین کارفرما با پرداخت بخشی از دستمزدها کارگران به عنوان سودویژه میکوشد تا کارگران را فریب داده و چنین وانمود نماید که گویا کارگران در سهم بردن از سود تولیدی که محصول کار آنان است "شریک" هستند و بنا بر این بر روی استثمار کارگران توسط سرمایه داران پورده سا ترا فکند و کارگران را دعوت به تولید بیشتر به منظور کسب سود بیشتر نماید و بدین ترتیب با تسدیدا استثمار کارگران بول بیشتری به جیب بزنند. ثالثاً سرمایه داران با عدم پرداخت بخشی از دستمزدها و زانکه تحت عنوان سودویژه، سالانه یا شش ماهه شش ماهه پرداخت میشود، عملاً سرمایه هنگفتی را در دست خود متمرکز نموده اند که با آن میتوانند سرمایه گذاری در بخشهای بیشتری نموده و با حداقل با بهره گردش انداختن آن سرمایه در بارها نگاهداری، از بهره فراوان آن، جیب گشا دخود را بر نمایند.

بدین ترتیب فلسفه وجودی سودویژه تلاشی است برای فریب کارگران بمنظور ایجاد سازگی کاذب بین کارفرما و کارگر که گویا هر دو بر سر نوشت تولید و تعلق محصول آن به خود شریک و "هم سرنوشت" هستند، در حالیکه پروا صح است سرمایه داران که حیات و ممانتشان در گرو استثمار و حشای نه طبقه کارگر است، هرگز حاضر نخواهند شد که کارگران را در سودبری از محصول تولیدشان با خود سهیم نمایند.

۲- سیاست رژیم جمهوری اسلامی در قبال سودویژه:

رژیم شاه خاثن با تصویب پرداخت ۴ ماه از حقوق کارگران بعنوان سودویژه کوشید تا اهداف فدکا رگری خود را جامه عمل بپوشاند. اما رژیم جمهوری اسلامی همانطور که در ابتدا گفتیم بنا بر سیاست عمومی اش در انتقال فشار بر حران بدوش کارگران و زحمتکشان و مابها نه های احمقانه و از جمله اینکه پرداخت سودویژه، در زمان رژیم شاه برای فریب کارگران بوده است کوشید تا در سال ۵۸ سودویژه را که بخش لاینفک دستمزدها کارگران بود تلفونما بد که البته تحت فشار کارگران مجبور شدیم از مبلغ سودویژه

یعنی حقوق ۲ ماه را به کارگران پرداخت نماید. اما سال نیز رژیم در نظر دارد همین برنا مه فدکا رگری را بپا د کند و در شرایطی که فشار طاقت فرسای زندگی، قسمت سرما و آوارک لاهای مورد نیاز زو... سردوش کارگران سنگینی میکند سودویژه کارگران را بدون افزایش دستمزدها معادل آن لغو نموده و بجای آن فقط ۲ ماه بعنوان عیدی و پاداش سالانه پرداخت نماید در حالیکه پاداش عیدی امری کاملاً متفاوت از سودویژه که دائمی و ثابت و جزئی از دستمزدها است میباشد و بدین ربطی ندارد و کارگران خود بخاطر پرداخت در زمان رژیم شاه، پاداش عیدی که البته بازاری برای فریب کارگران و وادار کردن آنها به تولید بیشتر بود، علاوه بر سودویژه به کارگران پرداخت میگرددند.

رژیم جمهوری اسلامی برای سرپوش گذاشتن بر این اقدام فدکا رگری و فریب کارگران در نظر دارد که علاوه بر این دو ماه بکارگران موسسات تولیدی ای که میزان تولید آنها نسبت به سالهای ۵۸ و ۵۷ و ۵۶ افزایش داشته باشد، پاداش هر در صد، یک و دو درصد کثرتاً ۲۰ روز حقوق داده شود و اقلاً نیرنگی بالاتر از این نمیشود. آخر کذا مومسه تولیدی است که تولید آن در مقایسه با سالهای گذشته افزایش داشته باشد؟ و تا زه بر فرض چنین افزایشی در معدودی از کارخانجات پرداخت ۲۰ روز حقوق چه دردی از کارگران را دو اخوا هد کرد؟ گذشته از این رژیم میکوشد با ارائه این طرح، رقابت بین کارگران را دامن زده و آنان را به "تولید بیشتر" تشویق نماید و از این طریق هر چه بیشتر آنان را مورد استثمار قرار دهد.

۳- عکس العمل کارگران و شعار صریحی که باید مطرح شود:

همانطور که گفتیم در شرایطی که بالا رفتن هزینه زندگی، پایین شدن سطح دستمزدها، کمبود ما یحتاج اولیه، افزایش ساعت کار، پرداخت مالیاتهای مستقیم و غیر مستقیم تحت عناوین کمک به جنگزدگان و دولت و... بیشترین فشار را بر زندگی کارگران وارد میسازد، کاهش دو ماه از چهار ماه سودویژه آنان، ضربه ای سخت و تشدید فشاری غیر قابل تحمل بر دوش کارگران است از اینرو روشن است که کارگران بشدت در مقابل این تصمیم فدکا رگری دولت استنادگی نموده و حاضر نمیشوند تا شون جدید سودویژه بپا ده شود. هم اکنون کارگران در کارخانه ها با ناباوری به این طرح نگرینسته و تصمیم دولت را بیشتر تریک "شوخی زننده" تلقی میکنند. اجرای طرح فوق آتشفشان عظیم جنبش کارگری را منفجر خواهد نمود و کارگران را به مبارزه ای سخت و حیاتی برای مقابله با اجرای آن خواهد کشاند. اما شعار کارگران در مقابل تصمیم دولت چه باید باشد؟ کارگران باید با طرح "تا زمانیکه

۲۵ درصد به دستمزدها اضافه نشده، چهار ماهه سودویژه پرداخت با یگذرد". به مبارزه و مقا بله با تصمیم رژیم برخیزند. شعار فوق نشاندهنده آن است که اولاً کارگران ما هیت فریبکارانه "سودویژه" را می شناسند و به آن نه بعنوان شراکت خود در سهم بری از محصول تولیدشان، بلکه بعنوان بخشی از حداقل دستمزدها بیت خود مینگرند که حدود ۳۵ درصد حقوقشان را تشکیل میدهد و تا زمانیکه این حقوق به دستمزدها نایبشان افزوده نشده سودویژه تنها نایب لفظی و یا کاشیایب، بلکه به اندازه چهار ماه در سال با یید بعنوان سودویژه پرداخت گردد.

بی شک راه و طرق گوناگون مبارزه کارگران با توجه به سطح آگاهی کارگران در هر کارخانه متفاوت است از اینرو با توجه به مجموعه شرایطی که از نظر عینی و ذهنی وجود دارد، کارگران پیشرو می بایست با آگاه کردن توده های کارگران نسبت به این توطئه جدید رژیم و عوامل و حشمتنا ک آن در زندگی کارگران تمامی کارگران را احسول شعار فوق بسیج کرده و ضمن تماس گیری با کارگران سایر کارخانجات، چه از طریق شورا های واقعی شان (اگر موجود باشد) و چه از طریق دیگر، بکوشند حرکت یکپارچه و متحدانه ای را در قبال رژیم در پیش گیرند. بر باری اعتصاب در کارخانه، تظاهرات در جلوی وزارت "کار"، جلوگیری از خروج کالاها از کارخانه و... طرق گوناگونی است که بوسیله آن کارگران می توانند سیاست ضد انقلابی و فدکا رگری رژیم جمهوری اسلامی را در رابطه با سودویژه خنثی نمایند.

تا قبل از اضافه نمودن ۲۵ درصد به دستمزدها کارگران ۴ ماه بعنوان سودویژه پرداخت با یید گردد!

هر چه گسترده تر با جنبش کارگران ایران مرگ بر سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم

برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۵۹/۱۲/۱

تصحیح و یوزش

در خبری که در پیکار ۹۰ راجع به دستگیری ۶ تن از کارکنان جنگزده صنعت نفت درج شده بود، اشتباهات زهرش تقریباً بعنوان نماینده شورای سراسری کارکنان نام برده شده بود. در صورتیکه تنها ۳ تن از این عده نماینده شورا بودند که بدست نویسیه املاح میشود.

نان، مسکن، آزادی



خلق ها و مسئله ملی

تظاهراتی بر علیه رژیم ضد خلقی برگزار میشود. شهر در جوش و غلیان خلق ستم دیده غرق شده است مردم با آتش زدن لاستیک خاطره دوم بهمن سالروز اعلام جمهوری کردستان را گرامی میدارند.

روز چهارم بهمن، یک ریوی ارتشی در کمین پیشمرگان دمکرات قرار میگیرد که در طی یک درگیری ۱۰ نفر از سرنشینان ریبوکشته و ۱۳ نفر دیگر دستگیر میشوند. در همین حین رادیو - مهابادی اطلاعیه اخطار میکند که در صورت عدم تحویل دستگیرشدگان، نیروهای رژیم ضد خلقی شهر را ویران خواهند کرد. بعد از ظهر همین روز ماشین تویوتای جاشا که قصد بردن غذا به محل استقرار پاداران را داشت به کمین پیشمرگان انقلابی کومله می افتد که پس از دوساعت درگیری ماشین آتش گرفته و ۴ جاش و پادار کشته میشوند و یک تیربارک لیبیر ۵۰ و تعدادی از بدست پیشمرگان می افتد در این درگیری یکی از پیشمرگان قهرمان کومله بنام "کاک سلیمان" در راه آرمانهای انقلابی خلق کردجان میبازد یادش گرامی و راهش پادار باد!

در تاریخ ۶ بهمن یک ستون ارتشی که از ارومیه آمده و قصد ورود به دگان مهاباد را داشت، مورد ضربات بی امان پیشمرگان جنبش مقاومت قرار میگیرد. که طی آن تعدادی از افراد آن کشته و زخمی میشوند. ۶۰ هلیکوپتر توپدار که این ستون را اسکورت میکردند قسمتی از شهر را زیر گلوله های توپ میگیرند.

در تمامی این روزهای پرشکوه برای خلق کرد، مزدوران رژیم چه با خمپاره و گلوله باران و شورش و بیابانهای رادیویی، مردم و پیشمرگان را به یورش همانجا نهب تهدید میکنند. مردم به علت بسته بودن منازل از نظارت مینان و آذوقه در مضیقه هستند و در اثر خمپاره باران شهر رفت و آمد سختی انجام میگیرد. اما با وجود این، روحیه مردم و پیشمرگان بسیار عالی است. اهالی زحمتکش مهاباد خواهان مقاومت هستند و تنها شعار آنها "ماندن پیشمرگان در شهر" است. روحیه همبستگی تعاون و همکاری مردمی نظیر است. کمک به همدیگر، پناهدادن افراد بی پناه جمع آوری کمک مالی برای اشخاص نیازمند نمایشی از قدرت واحد و یکپارچگی خلق قهرمان کرد است. اهالی زحمتکش روستاهای اطراف با جان و دل به رساندن کمک مشغول هستند. سیل کمکهای جمع آوری شده از تمام روستاهای اطراف بطرف مهاباد سرازیر شده است که با کمک پیشمرگان بین اهالی شهر تقسیم میشود. مصداق آنبارهای سوختی (نفت و بنزین و گاز و ژولیل) شهر توسط مردم و تقسیم آن بین اهالی زحمتکش کماکان ادامه دارد.

از روز چهارم بهمن پیشمرگان قهرمان پیکار همچون سایر پیشمرگان وارد شهر شده و به کمین -

بقیه از صفحه ۵ یکسال ...

را هیبانی و اردگن سندی شدند، مورد حملات وحشیانه ساداران حیل و سرما به قرار گرفت. منطقه سرکمن بستین سهره محاربه ساداران، ارتش و عوامل مرتجعین نژودال و زمینسدار فرا گرفت. سرکوسی که با حمله ساداران و اوپانان حزب جمهوری اسلامی با سک و چسب آغا زنده بود، سسار زودگسروش یا فب و توشها و ملسهای مزدوران رژیم کشتار خلق ترکمن برداخت. ارتش با نانک و توب و خصا ره کمک با ساداران شتافت. بخش سرکمن بشن گنده و ویرانه های مندل سد، دهها شهید و صدها زخمی و هزاران آوارها زان کشتار وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی بر جای ماند. سسار سده "ساداران" در "مناظره تلویزیونی" (اسفند ۵۸) اعتراف کرد که از توشهای کالبر ۱۰۰ استفاده کرده بودند. سنی مدراثن نیز که سنا زگی سرماست جمهوری رسیده بود در سرکوب خلق ترکمن دست در دست خائنها و حمران ها داشت. او با سترمی اعلام کرد که سن "فقط ۱۰ درصد قاطعیت است"! رژیم جمهوری اسلامی دهها مارتز خلق ترکمن را خاک و خون کشید و ۴ رهبرشورا های دهقانی را به قمعترین شکلی و سسازنکنجه - های فراوان به شهادت رسانده و در خا ده گنجد بختوردا (۲۶ - ۲۹ بهمن ۵۸) و ایسن منطق تمام رزمیهای ارتجاعی است که مارتز انقلابی توده ها را با سرکوب باسخ دهد و آنها را به مسلسل و توپ به بنددولی آتخه کسه در پیروزی خلق ها نقش تعیین کننده دارد. رهبری و مشی حاکم مارتزات توده ها است. در حریان سرکوب خلق ترکمن، رهبری سازمان جریکهای فدائی عملا با پیش گرفتن سازگاری سه سرکوب مارتزات خلق ترکمن باری رساندند. آنها بحای تعرض انقلابی در مقابل هموم

وحشیانه ارتش و ساداران جمهوری اسلامی موضع تسلیم طلبانه اتخاذ کردند و موجب شدند که ارتجاع حاکم با یک حمله گسترده دستاوردهای مارتزات خندس ماه خلق ترکمن و توشهای دهقانی را نابود کند. طبعی است که موضع منفعل فدائیان در واقع گنجد و کشتار خلق ترکمن رسته در تفکر و عملیه گرا سنا ت روبریزو - سنی بر آنها دست، گرا سنا تی که با تعمیق خود بحن بررگی از سازمان رادرو رطه روبریزو - سس غری کرد. سنا طرها ن گرا سنا ت روبریزو - سستی بود که فدائیان بحای ابتکار راه انقلابی در بشتن گریب و سده ها اعنا ددا شتبا شدند از بشتن مدر مر سسج که در کرا رجزی ها از عوامل اصلی سرکوب خلق ترکمن بود مارتزات و معرفی عوامل در کبریه ای گنجد و کشتار وحشیانه ۴ نما سده خلق سرکمن را مسخو هند (مناظره معروف تلویزیونی) حال آنکه خود سنی مدرکی از جلادان خلق ترکمن بود.

در مارتز ه خلقی نشیب و فراز سساراست، اما مارتز طفا سی هرگز خاموش نمیشود، علم سسج کشتارهای وحشیانه و با وجود خیانت کما عمل روبریزو نیست های "اکثریت" به خلق ترکمن، این خلق قهرمان و رزمندگان انقلابی اش با درگیری از مارتزات گذشته و بیوزده دستاورد - های دوسال گذشته به بیکا رخود علیه ارتجاع و عوامل مزدورش ادامه میدهد. مارتزهای که همدوش مارتزات دیگر خلقهای ایران و با تحقق رهبری منسجم و سازمان یافته طبقه کارگر بر آن پیروزی زحمتکشان را بدنبال خواهند داشت.

با درود بر خا طره شهیدای خلق ترکمن! پیروزنا دمبارتات انقلابی خلق ترکمن و دیگر خلقهای ایران بر علیه امپریالیسم و ارتجاع داخلسی!



گذاری و جوله سنا نه در شهر و تبلیغ در روز سردخانه - اند. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی در مقابل اراده آهنین خلق قهرمان کرد و سسمرگان قهرمان سسار در مهاباد عقب نشینی کرده و بیوسته تهدید میکنند که اگر تا ۲۲ بهمن مردم و پیروهای سیاسی اسلحه های خود را تحویل ندهند! مگر بیشتر از کشتار خلق و خصا ربه باران شهر کار

دگری هم از دست ارتجاع ساجه است؟ خلقی کرد در مهاباد تصمیم به معانی حماسه - آفرین در برابر سسج ضد خلق گرفته است این رایکنا رخی سور آفرین اهالی نهرو روستاهای مهاباد، آما دگی سسمرگان قهرمان بشارای شیریدی بی امان، سور و غلغله انقلابی خلق زحمتکش میگوید. مفا و مسی که صفحه دیگری بر تاریخ حسن انقلابی و پرشکوه خلق کرد افزوده است.

قیرباران يك کمونیست بجرم عشق به زحمتکشان

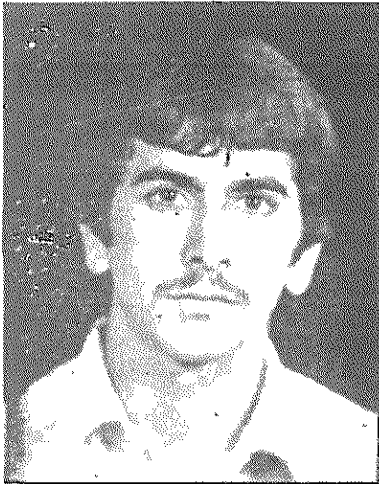


پیکارگر شهید رفیق محمود صمدی

نام : محمود
متولد : ۱۳۳۴ درآبادان
شغل : دانشجوی دانشکده علوم تربیتی
دانشگاه تهران

ایدئولوژی : مارکسیست - لنینیست از اولیست
مسئولین دانشجویان مبارز و زینبائنگاران سازمان
دانشجویان و دانش آموزان پیکار و مسئولین تشکیلات
درآبادان - عضو سازمان پیکار در راه آزادی طبقه
کارگر.

خون رفیق طهماسبی زاده پرچم کمونیستها را در آمل سرختر کرد



نام : محمد

شهرت : طهماسبی زاده

متولد : ۲۰ شهریور ۱۳۴۱ در

دهستان دشت سر (آمل)

ایدئولوژی : مارکسیست - لنینیست

عضو سازمان دانشجویان و دانش

آموزان پیکار (مازندران)

شهادت در پیروزی اوباشان رژیم

جمهوری اسلامی به راهپیمایی

بزرگداشت قیام خونین بهمن در

روز چهارشنبه ۲۲ بهمن ۵۹ در آمل

پیش خواهم تاخت ، قسم بخونتم که از با نخواهم
نشت .

خلقهای قهرمان ایران

با افتخار میگوئیم که محمود که کسی بود؟
تا خلقهای ما گلهای سرخ پیکار زگر را بهتر
بشنا سندی که کمونیستها چگونه جانبا زنه
در راه زحمتکشان بیکار میکنند. او از سال اول
ورود به دانشگاه بیکار چش بود تشکیلات مخفی
جنبش انقلابی دانشجویان از همان سال اول
ورود و به دانشکده ، وی را در میدان پیکار علیه
رژیم ارتجاعی شاه خائن یافت و ما رگسیم -
لنینیسم این یگانها ایدئولوژی طبقه کارگر را
بعنوان یگانها آلمان انقلابی سرخ کارگران
بذیرفت و سوگند خورد که تا پای مرگ به آن وفا -
داریم و ندوخته خوب هم به این سوگند عمل کرد .

در همان سال اول بغا طرما زماندهی مبارزات
دانشجویان و سرپاشی تظاهرات بعد ب
یک ترم زدن دانشگاه خراج شد و در واقع رهبری
اصلی تمامی مبارزات دانشجویی در دانشکده
علوم تربیتی دانشگاه تهران بود. او و نه تنها
مبارزات انقلابی سیاسی ، چون تظاهرات ،
اعتصابات و تحریم امتحانات را بر علیه شاه
خائن رهبری میکرد ، بلکه رهبری مبارزات صنفی
را نیز بر عهده داشت. او از زمانده اطاق کوه -
نوردی و کتایخانه دانشجویی این دانشکده بود
و از طریق این واحدهای صنفی نیز به بسیج
دانشجویان انقلابی علیه امپریالیسم و ارتجاع
میپرداخت در مجمع نمایندگان دانشجویی
دانشگاه تهران در سال ۱۳۵۶ که زیر رهبری
"دانشجویان مبارز" قرار داشت او یکی از افراد
رهبری کننده مبارزات صنفی - سیاسی دانشجویان
بان دانشگاه تهران بر علیه شاه جلا و مردورس
در دانشگاه تهران معتمدی خائن بود. او در آن

خبر کوتاه بود. ساعت ۱۲ شب روز ۱۶ بهمن
را دیوی ارتجاع ، خیرتیر با رانش رایش کرد .
رفیق محمود نیز به تاریخ خونبار مبارزه
طبقا تی پیوست و خونش پرچم کمونیستها گردید .
اما :

رفیق محمود ، راهت سرخ است ، راهت به
سوسیالیسم میبویند ، خونت سیلاب خشم خلق را
به دنبال خواهد داشت . محمود قسم بخونتم تا
چوبه های دار بریا ندرایم و در آن سرمایه داران
و نوکران سرمایه را بخون نکشیم ، تا با پتک
نیرومند کارگر ، انقلاب سرخ زحمتکشان را برپا
نداریم ، تا سرمایه راندر سرا سر جهان در هم
نکوبیم و جا معی بی طبقه کمونیستی را مستقر
نمائیم ، از با نخواهم نشت .

محمود عزیز ما صدها هزار محمود را در نبرد
طبقا تی با مزدوران سرمایه داری از دست
خواهیم داد چرا که بقول پیکار زگر شهید منوچهر
نیک اندام ، مبارزه طبقا تی بیرحم است و دشمن
به ما کینه دارد ، اما قسم به راه سرخت محمود که
ما همه دشمنان نما کینه خواهیم و روزید و با قلبی
که ما مالامال از عشق به زحمتکشان است جلادان
تورا در هم خواهیم کوبید و در کتا رو پیشا پیش
خلقهای قهرمان ایران میهن زحمتکشان را از
ستم امپریالیسم و سرمایه آزاد خواهیم ساخت .
ما تا جا مع کمونیستی یعنی تحقق آن آرمان
سرخت که بغا طرش جان باختی از با نخواهم
نشت اینک محمود شوگند به آرمانت ، ما همه
در تورا ه تو پیوند خورده ایم . مسئولیت سنگین
بندوش کشیدن وظایف تورا نیز در قبال توده های
ستم دیده ، اینک ما بزدوش خواهیم داشت . محمود
ای سرو ایستاده ما ، پرچم خونینیت را اینک
هزاران محمود دیگر بدست خواهند گرفت و چون
توا ز شکنج و تیرباران نخواهند ترسید . محمود
ما نیز چون تو ، در راه تو که آزادی زحمتکشان
سراسر جهان ، راه تحقق حکومت کارگران است به

ارتجاع حاکم بارها و بارها سان داده است که از
آکا هی توده ها و جنب دار در چرا که مرگ خود را در
این آکا هی مسند و از ابروس که ما ساداران و
اوباشان رژیم جمهوری اسلامی سب و روز سربک .
های انقلاب که در میان توده های زحمتکش سدر
آکا هی میباشند سروس میبرد .
روز چهارشنبه ۲۲ بهمن ۵۹ ، سهرآمل شاهد
راهپیمایی کمونیستها برای بزرگداشت قیام
خونین بهمن ۵۷ بود این راهپیمایی با
هجوم و حشبا نه ساداران و اوباشان ارتجاع
مواجه شد . مزدوران ارتجاع با وحس از فریاد
- های رسا و آکا هی نفس انقلابی که ز سر
سرخ سرخ کمونیستها راه سفاکی سکردند و
آوای انقلاب سمدادند ، یک سهرای "قوی
نمان جمعیت سربا کردند و رسمی سکار کز ما
محمد طهماسبی زاده در آن انفجار آن سیادت
رسد .
رفیق محمد کمونیست جوانی بود که آکا هاند

بقعه در صفحه ۳۱

بقعه در صفحه ۸

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

بقیه از صفحه ۷ - تیرباران ...

مجمع نمایندگان نماینده‌ها تشکده علوم - تربیتی بود. او در همین دوران با هسته رهبری دانشجویان مبارز "در ارتباط قرار گرفت و بعنوان یکی از مسئولین تشکیلات مخفی و مستقیمی زیر رهبری این تشکیلات در سازماندهی و رهبری تظاهرات خیابانی، پخش اعلامیه و ارتباط با توده‌ها پرداخت. او در دهها تظاهرات خیابانی بر علیه شاه‌خائن شرکت داشت و مسئولیتها را در این تظاهرات بر عهده داشت. همزمان رفیق، او را به خاطر می آورد که چگونه با شوری انقلابی، به گارد مزدور دانشگاه حملیه میبرد و آنها را فراری میداد، او را به خاطر می آورد که چگونه با کلاه بشمی (برای اینکه شناخته نشود) به همراه دیگر همزمانش بر سر پا و کتفها به کمین مینشست و آنها را تشبیه میکرد. او را به خاطر می آورد که چگونه از اجزای جمع عمومی در دانشگاه دلاوران را از آلمان انقلاب دفاع می کرد، او و چهار اصلی و رهبر تمام مبارزان دانش - جوئی دانشکده علوم تربیتی و از رهبران این مبارزه در دانشگاه تهران بود.

او آخرین بار در ۵۷ رفیق که تا آن هنگام به مشی چریکی اعتقاد داشت به مرزبندی با این مشی غیر پرولتری پرداخت و پس از انتشار اطلاعاتیه مهر، بخش منشعب از مجاهدین خلق، هوادار این سازمان گردید. رفیق در تمام مبارزات "دانشجویان مبارز" بر علیه شاه خائن شرکت داشت و از جمله از مسئولین - تدارکاتی برای رفتن دانشجویان کمونیست به کارخانه‌ها دردی و بهمن ۵۷ بود. او پس از قیام نیز از مسئولین دانش آموزی تشکیلات دانشجویان مبارز و طرفدار آزادی طبقه کارگر بود و اولین سازماندهندگان جنبش دانش آموزی پس از قیام بهمن بشمار می رود. رفیق که از هواداران پرشور سازمان پیکار به شمار میرفت که در قبال جناح انحلال طلب آن در کنار دیگر پیکارگران انقلابی به مبارزه پرداخت و نیز از اولین رفقای بود که معتقد بودند تشکیلات دانشجویان مبارز تشکیلاتی ضد رکیستی و انحلال طلبانه است و در مقابل جناح راست دانشجویان مبارز به افشای نظرات ضد - رکیستی آنان پرداخت بخصوص رفیق محمود از کسانی بود که از طرح انحرافات دانشجویان مبارز در کنگره اول این تشکیلات دفاع کرد و در حالیکه انحلال طلبان میکوشیدند مانع از طرح این مسائل در کنگره گردند، از حقانیت این نظرات با اعلام پشتیبانی رسمی دفاع نمود. او فعلا نه در تشکیلات سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار در تابستان ۵۸ شرکت جست و از بنیانگذاران این تشکیلات محسوب میگردد. او بلافاصله پس از تشکیل این سازمان به خاطر سابقه درخشانش در سازماندهی مبارزات دانش - آموزی، بعنوان یکی از مسئولین بخش دانش - آموزی این تشکیلات به سازماندهی و هدایت

تدفین شکوهمند
یک کمونیست!

مادر رفیق پیکار بر سر مزار او :
"اگر به راحت ادامه ندهم، بهتر است خیانت کرده ام!"
"از زنده بودنش وحشت داشتند."
از مرد هاش نیز وحشت دارند!

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی پس از تیرباران رفیق پیکار که محمود صمدی بخاطر ترس از آگاه شدن زحمتکشان از مرگ سرخ این کمونیست قهرمان جنازه رفیق را به بیمارستان "امیدیه" (نزدیک آغاچاری) منتقل میکنند اما خانواده رفیق و همزمانش با حضور در بیمارستان و افشای جنایت سردمداران "عدل اسلامی" توسط آنان را در هم میشکنند. "پاداران" آغاچاری به عنایت وین مختلف و از جمله جلوگیری از حضور "پزشک قانونی" برای صدور "جواز دفن" مانع از تحویل جسد رفیق میشوند. آنها با وحشت از خشم توده‌ها از تحویل "مدرک جنایت" - شان ترس داشتند. خانواده رفیق محمود و رفقای حاضر در بیمارستان افشاکری میکنند. مادر شجاع محمود در یاد میزند: "از زنده بودنش وحشت داشتید، از مرد هاش نیز وحشت دارید؟" این مادر دلور که خیلی خوب به ارزشهای والای پسر مبارزش پی برده بود با خشم میگفت "جلادهای بسرم مبارز بود، دلاور بود! پس از افشاکریهای چند ساعتی رفقا، ارتجاع مجبور به تحویل جنازه رفیق محمود شد. پیکار این دلور کمونیست در میان سرودهای انقلابی و وطنی از شعارهای پیکار جویانه برای انتقال به هوا زدن تو بم - بیلی قوا گرفت مادر رفیق محمود با آگاهی از عشق سرشار پیکار که در زحمتکشان، عشقی که در راهش مرگ سرخ را پذیرا گشت میگفت: "مردم ارزش این را دارند که محمود جانش را فدا کند، من هم با دجانم را فدا کنم".

رفقا سرودخوانان در حالیکه شعارهای انقلابی میدادند، از "امیدیه" گذشته و شب هنگام جنازه رفیق را به سردخانه گورستان "بهشت آباد" هوا منتقل کردند تا صبح فردا رفیق را به خاک بسپارند. مادر رفیق شاعرهای سازمان را که رفیق محمود در راه تحقق آنها شهید شده منجمله "تامن میکن آزادی" را تکرار می کرد. آری! مادر قهرمان، بسرتوا! محمود ستوا! محمود قهرمان ما ستوا! ستاره ای بود که برای آگاهی کارگران و زحمتکشان درخشان ستاره ای سرخ که همچنان در آسمان مبارزات زحمتکشان ما خواهد درخشید.

صبح روز بعد خانواده و همزمان رفیق محمود با روحیه ای عالی و سرشار از پیکار جوئی کمونیستی و انقلابی در حالیکه بر علیه رژیم جمهوری اسلامی و سردمداران مرتجع و ضد

جنبش دانش آموزی پرداخت و پس از مدتی از طرف تشکیلات ما موربیت یافت بخش آبادان تشکیلات را که حائز اهمیت بسیاری بود، سازمان دهی کند. فعالیت درخشانش در آبادان موجب شد تا بخش آبادان از فعالترین بخشهای تشکیلات گردد. رفیق پس از جنگ ارتجاعی میان ایران و عراق، فعلا نه به افشای ماهیت غیر - عادلانه جنگ و دور زیم ضد خلقی ایران و عراق پرداخت. رفیق پس از آوار شدن بیش از یک میلیون تن از زحمتکشان خوزستان به سازمان دهی جنبش آوارگان پرداخت و به نمایندگی شورای آوارگان جنگ انتخاب گردید. رفیق در طی این مبارزات درخشان در ماهشهر توسط ارتجاع دستگیر و پس از محاکمه در بندگاه ارتجاعی ماهشهر توسط آخوندی مرتجع بنام اراکی در سرگام ۱۳ بهمن ۵۷ تیرباران شد. در حالیکه در طی چهل روز دستگیریش شدت از آلمان سرخ کارگران دفاع کرده بود و با وجود شکنجه و مراسم اعدامهای ساختگی که برایش برپا میشد، دلاورانه به آلمان سرخ زحمتکشان وفادار ماند.

زندگی کوتاه ما پرثمر رفیق محمود به عنوان یک نمونه از مبارزات انقلابی کمونیست - ها به توده‌ها نشان میدهد که کمونیستها چگونه افرادی هستند و چرناپای مرگ به زحمتکشان وفادار میمانند. رژیم جمهوری اسلامی با برپر کردن این گل سرخ میبندد از جنگل سرسبز انقلاب راز شادابی و طراوت و مبارزه محروم کند. جلادان ارتجاعی رژیم میبندد رند با به شهادت رساندن کمونیستها بی چون محمود میتوانند چند صبا حی دیگر به غارت و سرکوب توده‌ها بپردازند و جاکمیت ننگین خویش را بر پاداران دانش زحمتکشان ایران انتقام خون محمودها را از این نوکران سرمایه و ممدستان امپریالیسم جهانی خواهند گرفت. زحمتکشان ایران، با پرچم سرخ داس و چکش که از خون کمونیستها و انقلابیون چگون محمود رنگین است بساط این جانیان مزدور سرمایه داری را در هم خواهد کوبید و گدا سرمایه داران چوبه‌های داری را در بر پادارند و کمونیست - ها را با طرد دفاع از زحمتکشان به گلوله ببندند. انقلاب سرخ و خونین زحمتکشان ایران، در ادامه مبارزات خونین محمود و محمودها در فدرالی جمهوری دمکراتیک خلق، در فدای سرخ و آزاد ایران سوسیالیست برای همیشه بساط سرمایه - داران جنایت پیشه را در هم خواهد کوبید و بیاد محمود و محمودها، خاطره سرخشان را گرامی خواهد داشت. بر راستی اگر مبارزه خونین محمود و محمودها نباشد، سوسیالیسم هرگز برقرار نخواهد شد و انقلاب هرگز امپریالیسم و ارتجاع را در گور نخواهد کرد پس اینک بیاد رفیق در خون غلطیده - مان سوگند میخوریم که بر ارض تا پایان تسلط استقرار کمونیسم وفادار بمانیم.

افتخار بر محمود و محمودها
تنگ و نفرت بر جلادان رژیم جمهوری اسلامی
قاتلان هزاران انقلابی چون محمود
پیروزی آلمان سرخ شهیدان کمونیست

اخبار مبارزات توده‌ها



صفا ایستادن کجا، شما باید بروید در خانه و بچه‌ها را دارید کنید، شما زن‌ها آمده اید داخل صفا و باعث شده اید که مردها بیشتر معطل شوند و وقتشان تلف شود. زنی از داخل صفا در پاسخ وی میگوید: "مردهای ما مثل تو مفتخور نیستند که همیشه بیگانه با شما شده و مفت برای شما برسد، شوهر من تا طراست و حالاً دارد برای شکم‌کننده تونسان می‌بزد." در همین موقع در حالیکه عده‌ای از مردما عتبا در صفا ایستاده بودند، پاسداربانک میگوید: "برادران و خواهران امروز وقت تمام است و فردا مراجعه کنید." مردم در حالیکه از حرف وی بخشم آمده بودند اعتراض میکنند و کارگری به پاسدار میگوید: "یا به ما کوپن میدهید یا ما نمیکذاریم که از بانک بیرون بیایید." پاسدار در پاسخ وی میگوید: "ما که نوکریدر شما نیستیم! مردکا رگر در پاسخ میگوید: "پس آن اسلحه را برای چی بدست گرفته‌ای؟ برای دفاع از مایه بر علیه ما؟ معلوم میشود بر علیه ما، اینرا هم بدان که شما با این کارها بیتان باعث میشوید که ما انقلاب دوم را تدارک ببینیم." جمعیت به نشانه تأیید صحبت‌های مردکا رگر گف میزنند و مسئولین وقتی مقاومت مردم را می‌بینند قبول میکنند که هما نروز به همه کوپن بدهند.

اجتماع زحمتکشان گود "باغ چالی" در شهرداری

در تاریخ ۲۰/۱۱/۵۹ حدود ۲۰۰ نفر از ساکنین گود "باغ چالی" واقع در خانه‌ها مان تختی (خانی - آباد سابق) برای اعتراض به شرایط سخت زندگی و نامطمئن بودن خانه‌ها بنان و گرفتن خانه از دولت! در شهرداری ناحیه یک اجتماع میکنند. زحمتکشان از زمان خود ۷ نماینده انتخاب کرده و برای مذاکره پیش سپردار ناحیه میفرستند.

در گود "باغ چالی" ۲۵ خانوار زندگی میکنند که ۱۴ خانوار در زیر حاد بر سر میسرنند. محیط گود بسیار کثیف بوده و محیط مساعدی برای رشد انواع میکروبها است. حاه‌های خانه‌های گود سرا زکریه و دسوارها و سقف‌ها در حال ریزش هستند. زحمتکی میگفت: "تا حال ما سنی امام سنی صدر، بهشتی، رفسنجانی رفته و سه سال زمان عمران جنوب، بنیاد شهید، بنیاد مسکن، بنیاد مستضعفین و شورای اسکان گودتختیان، مراجعه کرده‌ایم، اما هیچ نتیجه‌ای نگرفته‌ایم."

شهردار منطقه‌های ناحیه نمایندگانشان مدبرعامل سازمان بهسازی و عمران جنوب را بد آنها معرفی میکند. نمایندگان از وی می‌رسند و ما وعده داده بودید که زمین و و ما یکی برای ساختن آن بدهد، اینکار را حقد طول می‌کشد؟ دومی در پاسخ آنان با وقاحت تمام جواب میدهد: "از ۶ ماه تا ۶ سال، که یکی از نمایندگان در پاسخ وی میگوید: "این حق ماست اگر ندهد بزرگترین مدرعامل میسرنند: "در جمهوری اسلامی میخواهند زور کارگر را بکنند، حق را بایست داد!" نماینده جواب میدهد: "بله وقتی حق را نمیدهند با بدبا زور گرفتن، حق هم‌گرفتنی است و ما هم با لایحه میگیریم." گودتختیان زحمتکش بی میسرنند که رژیم که خانه‌های زحمتکشان تهران را بر سرشان خراب کرد، رژیمی که مداره انقلابی خانه‌های سرما به داران را عملی "حرام" دانسه و زحمتکشانی که دست به انکار زده اند را سرکوب می‌کند... نه می خواهد و نه می تواند یکی از خواسته‌های اساسی آنان که تا من ممکن مناسب مساندا سخ دهد

نمایش اتحاد کارآموزان مخالوژی در مقابل رژیم

در اوایل بهمن ماه عده‌ای از کارآموزان مخالوژی ذوب آهن بخاطر دریافت حقوق عقب افتاده خود استاتاری را به اسفند درآوردند. این کارآموزان ماهانه ۱۵۰۰ تومان دریافت میکردند! که با گرانی سرسام آورگشونی کفاف حداقل زندگی را هم نمیدهد. اما رژیم جمهوری اسلامی سه ماه است که از پرداخت همین حقوق ناچیز هم خودداری کرده است. کارآموزان قبلا چندین بار به دفتر مدیرعامل مراجعه کرده و چون جواب سربالا شنیده اند دفتر وی را اشغال کرده اند و اکنون در ادامه مبارزات خود به استانداری رفته و آنجا را به اشغال خود درآوردند.

استانداران صفیان، دادوی س از این حرکت انقلابی کارآموزان، ضمن مواخبه در تلویزیون گفت: "انکار خاموشی و جنگ از یاد آنها رفته است و موقعیت فعلی مملکت را سرسری میگیرند." مردم برای اسلام خون داده اند ولی اینها برای حقوق و مادیات دست به اعتراض میزنند، دستهای اینها همه چاهب "و بدین ترتیب با عوامفریبی و استفاده از اوضاع ناشی از جنگ، دشمنی خود را یکبار دیگر با خواسته‌های بحق زحمتکشان از حمله کارآموزان مخالوژی، عیان ساخت. مبارزات این کارآموزان همچنان ادامه دارد. حوزه ذوب آهن سازمان مسادر اعلامیه‌ای ضمن اعلام بسیجانی با خواسته‌های بحق کارآموزان، همبستگی و اتحاد خود را با آنان ابراز داشت.

پای صحبت زحمتکشان در صفا کوپن:

تهران
در تاریخ ۱۴/۱۱/۵۹ عده‌ای از زحمتکشان برای گرفتن کوپن ارزای عمومی جلوی بانک صفا کسده بودند. آخوندی که بطور استثنائی در صفا ایستاده بود، بعد از مدتی معطلی رو به زنیهای داخل صفا کرده و میگوید: "زن کجا وتوی

نامه سرگشاده جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی به هم میهنان مبارز

اخبار جمعی از خانواده‌های زندانیان سیاسی، ضمن نامه‌ای سرگشاده به مردم مبارز ایران، برده از چهره گریه رژیم جمهوری اسلامی دریده و نسبت به بیبندکشدن فرزندان انقلابیشان اعتراض نموده اند. در قسمتی از آن چنین آمده است:

"هنوز کمتر از دو سال از قیام شکوهمند خلق ما و شکسته شدن درهای زندانهای رژیم ضد بشری پهلوی بوسله شما مردم قهرمان ستمکش نگذشته که دیگر بار هزاران تن از بهترین فرزندان مبارزان انقلابی ما در زندانهای دولت جمهوری اسلامی بر سر میسرنند. بسیاری از این زندانیان در رژیم گذشته بطور فعال در مبارزات ضد رژیم شرکت داشته و مدت‌ها در زندان و تبعید و با تحت تعقیب قرار داشته اند و اکنون بوسله‌های شبانه و بدون مجوز خانه‌های مبارزین، ضرب و شتم مادران و پدران مسن و نوجوانان کم سن و سال و در بسیاری موارد غارت اموال همراه با بازداشت و انواع توهین و شکنجه روحی و جسمی و صدور احکام زندانهای طولانی تنها بصراف ابراز عقیده و با داشتن چند برگ اعلامیه و نشریه صورت

به استقبال جنبش او جگیر نشده توده‌ها بش تائیم

میکبرد... هم اکنون که ما جمعی از خانواده های زندانیان سیاسی مبارزان انقلابی اسبنا ما سرگناه را خطاب به شما مینویسیم، صدها تن از بهترین فرزندان خلق زندانها را به سنگری از مبارزه تبدیل کرده و با همه توان خود در این راه میکوشند و حتی با اعتصاب غذاهای طولانی از غذا کردن جان خود نیز دریغ نمیورزند... بگوئیم تا مبارزات زندانیان سیاسی اسبنا فرزندان دلسر خلق را ارج نهمم و در تا شمس مبارزات و آزادی آنان از بند همه توان خود را بکار گیریم."

حمله چماقداران رژیم به انقلابیون و مردم!

بابل

روز سه شنبه ۵۹/۱۱/۷ سی از پایان یافتن تظاهرات سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار چماقداران بسیج شده رژیم به شرکت کنندگان در تظاهرات حمله برده و وعده های راستگرو زخمی کردند. پس از آن او با شان رژیم (با سداران، سبجی ها و فالانژهای حزب اللهی) در میدان چراغ سرق کرده آمد و با تحریک احساسات مردم، اعلامیه ای مبنی بر حمله به نیروهای انقلابی و دستگیری آنان خوانده و به محله "چهار رشته بین" حمله میسرنند. نیروهای کمونیست و انقلابی با حمایت و بسیج مردم موفق میشوند و با شان رژیم را که مسلح به مبله آهنی و قمه و جاقوب بودند تا "سنگ بل" عقب برانند.

این درگیری تا شاد اما مه پیدما میکند. انقلابیون و توده ها با شعارها و شای جون: "زندانی سیاسی انقلابی آزاد با سد گردد" و "مرگ سرامریکا، مرگ بر ارتجاع"، مزدوران رژیم را تا "چهار سوق" به عقب نشینی وامیدارند. پس از خلوت شدن شهر، در ساعت ۸ شب عده ای حماق بدست حرفه ای کارگشته از اطراف با مبنی بوس به شهروند شده و الله اکبر گوسان از خند خسان عبور میکنند.

رژیم که نکست عوامل و مزدوران خود را در این روز دیده بود، در روز چهارشنبه ۱۱/۸ حدود ۱۰۰ نفر از چماقداران خود را با ردیگر به محله "چهار رشته سن" میفرستد. اینها فالانژهای رژیم به قصد تصرف دفتر "جنش معلمین" هوادار مجاهدین هجوم میاورند اما ما مقا و متکمونیستها و مجاهدین که شعار میدادند: "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع"، ارتجاع تو خالست، هجوم او گوا هست "وادا ربه عقب نشینی میگردند و سار دسگریبا تعداد از دتری حماق بدست برگسته و حمله را شروع میکنند. مردم درهای خانه ها بشان را سا ز کرده و انقلابیون را سانه میدادند. در درگیری این روز که مجموعا دوساعت طول کشید، حدود ۲۰۰ نفر زخمی شده و ۳۰ نفر دستگیر میگردد آری رژیم بسپوده می سندا ر دکه مستواند ما نسع رسد روزا فزون آگا هی توده ها... و مبارزان آنان

گردد. اسن در گریبها و مقما و متها در مقابله ساستهای سرکوب رژیم ارتجاعی، مدرسهای انقلابی برای توده های زحمتکش ماست!

فعالیتهای افشاگرانه پیکارگران در ارومیه

در هفته ای که سالگرد تمام خونین بهمن ختم میسند، رفقای سکار کرد را در ارومیه با فعالیت های آگاهکارانه در محلات برجست سپهره فضای رژیم جمهوری اسلامی پرداختند.

روزهای ۱۸ و ۱۹ بهمن ماه، رفقای هوادار با بخش اعلامیه و فروس سئو به روی تگسری برداختند و در مورد مسائل مختلف اجتماعی و سیاسی و ما هست و عملکردهای ارتجاعی رژیم با توده های زحمتکش صحبت میگردند. که با استقبال مردم روبرو میسند.

روز دوشنبه ۲۰ بهمن ما همکاری رفقای هوادار فدائی (قلب) یک تظاهرات موضعی انجام میدورفقا با شعارهای "از سبکاری، گرانی، این جنگ ارتجاعی مردم به تنگ آمدند"، "با هالسخ، سکار لسخ رسدی سرباندار"، "جو اولا سرباندار و محوا اولا امسربا لسخ"، "گردستان، گردستان، خودمختاری حق تست" و... سرده از چهره گریه و رشوای رژیم برداشتند. در مسرتظاهرات با سخن اعلامیه پیام انقلاب سبمان مردم برده میسند. راهبمانی پس از نیم ساعت با سوس وحشانه فالانژها موقتا با بیان بافت و طلق بر نامه قبلی، دقایقی بعد در محل دیگری دوسا راه ادا میسافت. رفقای شرکت کننده با فریادهای خشم آلود، سذر آگاه می در سبمان زحمتکشان ساعیدند. در اسن راهبمانی که با حمایت مردم روبرو شد بیش از ۵۰ نفر سرگشت دادستند. در روز ۲۱ بهمن سوزرفقای سبکار رگر با بخش فروس اعلامیه و سبکار ربه افشای رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و جناسات دوسا لسه اسن سرداختند که با استقبال توده های آگاه روبرو سد.

تظاهرات موضعی سازمان پیکار در قزوین

روز سه سنبه ۱۱/۱۴ از طرف تشکلات قزوین سازمان، تظاهراتی بمدت ۱۵ دقیقه در محله کارگرنشین "ها دی آاد" برگزار شد. در ابتدا سخنرانی کوتاهی در مورد قحطی، گرانی و جنگ ارتجاعی و ما هبت رژیم جمهوری اسلامی انجام سدوسس تظاهرات کنندگان در سبنت بلاکارد علیه حزب جمهوری، علیه لسبرالها، زنده ما دسبکار توده ها سراه افتادند.

در طول حرکت علاوه بر شعارهای افشاگرانه در مورد قحطی و گرانی، شعارهای سوز در مسورد

ما هست رژیم و جناحهای درون آن مانند "جمهوری اسلامی دشمن زحمتکشان، حامی سرمایه داران" و "سستی، سنی صدر برای سرکوب خلق، متحده و برادر"، ادا ده میسند. اعلامیه های نیز در این مورد ما سن مردم بخش شده با استقبال آنان روبرو گشت. با سداران ارتجاع سنا ز متفرق شدن تظاهرات کنندگان به محل رسیده وعده ای از مردم را به "جرم" شرکت در تظاهرات دستگیر نمودند.

ارتجاع دشمن آگاهی توده ها سب.

تظاهرات افشاگرانه هواداران سازمان پیکار در تبریز

از طرف هواداران سازمان در تاریخ ۵۹/۱۱/۱۶ تظاهرات موضعی در چهار راه "متحدین" تبریز برگزار گردید. این تظاهرات با شعارها و شای جون "آزلیق، با هاللیق، سببکار للیق، سربا سدا ر قانونی"، "گرسنگی، گرانی، سبکاری، قانون سرمایه داری"، "توتماق، ورمماخ اولدورماخ بودولسبن قانونی"، (دستگیری، شکنجه، کشتار، قانون این دولت است)، "با سدار، حماق سرمایه دار" و... مسورد حماست توده ها قرا گرفت. زحمتکشان و قحطی خواههای انقلابی خود را در اعلامیه های که از طرف رفقا بخش میسند میدیدند، مشتاقانه آنها را گرفته و با خود میبردند. در طی تظاهرات، رویز-بوتیسنه ای خاشن "اکثریت" به همراه فالانژهای رژیم، اعلامیه ها و تراکتها را با ره کرده و ما نسند ارتجاع حاکم هواداران سازمان را "امریکائی قلمد" دمیکردند.

تظاهرات افشاگرانه کمونیستها در شیراز

روز پنجشنبه ۱۶ بهمن، شهرشرازها سب را هیبمانی و تظاهرات هواداران سازمان سبکار سازمان رزمندگان، سازمان جریکهای فدائی خلق - اقلیت، در چهار نقطه مرکزی شهر بود. استقبال توده ها از شعارها و اعلامیه ها و بیوسره حماست آوارگان جنگزده خوزستانی از تظاهرات بیانگرا عتما روزا فزون توده ها به کمونیستها بود.

این تظاهرات بعنوان اعتراض به زندانی کردن انقلابیون و در شرایطی انجام میگرفت که زندانیان سیاسی کمونیست زندان "عادل آاد" شیراز را اعتصاب غذا سرب میسرنند. تظاهرات با شعار "زندانی سیاسی انقلابی، آزاد با سد گردد" شروع شده و با شعارهای دیگری در حماست از زندانیان سیاسی و افشای رژیم ارتجاعی ادامه یافت.

نکته قابل توجه در این تظاهرات، شرکت خانواده های زندانیان سیاسی مسجد سلیمان

سخنی با دیدگاه سوم "وحدت انقلابی"

حجت موسی برزورب به شرح می‌دهد: مواضع سه‌روزه
کمیته دولتی اتحاد سبک‌بالات موسی به سرگشت دزد
سازده طغیانی سردار دارد. در عین حال توضیح
دادیم که اگر این رفقا حران سرولنری ای در
سطح حسن می‌سازند که در ساسی نرسن خطوط
سای - استولوریک تا آن وحدت بنظر آید
اتحاد هوبت سبقت در سطح حسن سموان سک
حران ساسی جدید، انحرافی بوده و پشیماننده
مورسندی گاد سکلابی است .

آنچه در این قسمت مورد تاکید است، توضیح
کسریه رالی را سوم حجتی است که با بیست
جاگزین معنی "وحدت انقلابی" سودا شاره ای به
برخی مکرش های انحرافی رفقا که منشأست در
جابگیرس ساری آنحد در سال معنی "وحدت
انقلابی" تا سدمرا کرد. رفقا را دجا را انحراف
سازد چه، به نظر ما سها معنی "سبک‌بالات دوران گذار"
معنی "ما رزه اندولوزیک علمی" کافی نیست
که سدمرسم تا با نظرات انحلال طلبانه مرزبندی
سده است، بلکه علاوه بر معنی استند، در بررسبی
طرح اساسی رفقا است که سموان مهمد آبا با
نظرات انحلال طلبانه کاملاً مرزبندی شده است
و با آنکه سواش مکرر انحلال طلبی این بار در
طرح اساسی محم مخورد

عین سرسبی تا: بررره سطح منکا بلنرن
از کسب و کسب راست است تا آنکه که دو سال پیش
وجود داشت سان مدهدا کرد و سال پیش برآگدیگی
موجود در جنبش کمونسیتی، بدلیل فقدان برنامه
و خط می، امری تا کیری بود و پشت گمشده
اندولوزیک، اس برآگدیگی را توجه سمود
امروزه تا وضعیت کاملاً متفاوتی رو برهوشتم
امروزه حسن کمونسیتی تحول مئی و برنامه و
گرا تا اندولوزیک گویا کون تا حد قابل
سویبی قطب سدی شده است. امروزه برخلاف
گذشته از آنجا که ساری از مواضع ساسی،
اندولوزیک سرولنری تا حدود زیادی روسن
است، هیچ دلیلی سحر اختلاف ساسی،
اندولوزیک اساسی حداثی تنگناب را را یکدیگر
بوجه می‌کنند. و اگر سرروهای در جنبش
کمونسیتی وجود دارد که علم غم و وحدت اساسی
سای - اندولوزیک بحول خط پیشی و برنامه
سرولنری، در حداثی سبک‌بالاتی پیشی برنند، این
امر سان هیچ سحر سبک‌بالاتی رسم، چه محدود
سمود سرولنری اساره های خود و جز نشانه
مجلسم که اسکاسی از انحلال طلبی است .

سبب
با توجه به آن حد که قسم ما وظیفه سرروهای

از سبب سرسبی - بررره علمی شوس - بررره
ایدئولوژیک ارجاب - رفقای "وحدت انقلابی"
نظر خود را اعلام نمودیم و توضیح دادیم که اس حرکت
حرید و ام - سحر - طلبی در سوس سوس سوس و هم
از اسروس که انحلال طلبان از اس حرکت
شادمان بوده و سزا آن سحر سبک‌بالات اسوسه
دیدگاه دوم) و با لایحه سرورب بررسدی تا طع سا
سبک‌بالات دوران گذار و بصورت عملی معنی "وحدت
انقلابی" را کوردمو دم. و با "وحدت انقلابی
را در سرسوس ساریه، اندولوزیک علمی
تا در س حوادیم و حواهان سب سوری سبک‌بالات
"وحدت انقلابی" اسوی رفقای دیدگاه سوم
سدم، اکسور در ادا مدسحاب کدسه، راه حل
عملی که رفقای دیدگاه سوم بنظر ما با سدمرسن
کسریه را توضیح مدهم و می‌گویم به سرحی از
انحرافات ساسی - سبک‌بالاتی دیدگاه سوم
برخوردهما شتم.

اهداف دیدگاه سوم از علمی نمودن مبارزه ایدئولوژیک چیست؟

همچنانکه در شماره فصل توضیح دادیم، آنچه
از علت علمی نمودن مبارزه ایدئولوژیک توسط
دیدگاه سوم در صمیمه انقلاب بحجم منحورد، نوعی
حرکت خودبخودی و وجود سرحی سواش فکری
انحلال طلبی و آکادمسی است که در عمل به
آشتی طلبی منحور سمود. رفقا کو کسریه
شومحی در باره علت پذیرش مبارزه ایدئولوژیک
علمی سموان راه حل رفق سحران سدها اسدو
حسن بنظر سدمرسم که اس تا سوسحی وجود سدها
ساده. تا سدمرسم همچنانکه در سوس
ضمیمه انقلاب سان مدهدا، اسار سسار
ایدئولوژیک علمی تا طر سرحی حرکت هدمیدی
سست (وا کرا تا سده سدمرسم) حون شورزه سمودن
تداوم انحلال طلبی است و در حدت سس
انحراف هوی فرار دارد (و خواه و با خواه سمن -
سست خواه سدمرسم. سب سستی که هیچ راه حل سرحی
مرزبندی قاطع تا "سبک‌بالات دوران گذار" و س
تبع آن معنی سوری و علمی سبک‌بالات
انقلابی" و بررسندی عملی تا حاملس دیدگاه
اول و دوم تداوم سدها سوزد اس بررسندی
قاطع تا "سبک‌بالات دوران گذار" یک مرزبندی
صرفاً علمی سده و اسار سدها سده های انحلال
- طلبانه و انحرافی اس سوری را که اسسار
در پشوس "علمی نمودن مبارزه ایدئولوژیک"
هوبت یافته است، طر دشود، سموان از مرز -
بندی مارکسیستی تا سبک‌بالات دوران گذار
سخنی سان آورد .
ما همچنانکه توضیح دادیم، معتقدیم که دید -
گاه سوم تا سدمرسم سبک‌بالات خود را به سسول
مجموعه مواضع خود که تا تحفه اسروس سسبندی
دیدگاه اول و دوم همراه است تا سرحی سماندو
سین از اس اسری توده های انقلابی - ل را

سبب سرسبی - بررره علمی شوس - بررره
ایدئولوژیک ارجاب - رفقای "وحدت انقلابی"
نظر خود را اعلام نمودیم و توضیح دادیم که اس حرکت
حرید و ام - سحر - طلبی در سوس سوس سوس و هم
از اسروس که انحلال طلبان از اس حرکت
شادمان بوده و سزا آن سحر سبک‌بالات اسوسه
دیدگاه دوم) و با لایحه سرورب بررسدی تا طع سا
سبک‌بالات دوران گذار و بصورت عملی معنی "وحدت
انقلابی" را کوردمو دم. و با "وحدت انقلابی
را در سرسوس ساریه، اندولوزیک علمی
تا در س حوادیم و حواهان سب سوری سبک‌بالات
"وحدت انقلابی" اسوی رفقای دیدگاه سوم
سدم، اکسور در ادا مدسحاب کدسه، راه حل
عملی که رفقای دیدگاه سوم بنظر ما با سدمرسن
کسریه را توضیح مدهم و می‌گویم به سرحی از
انحرافات ساسی - سبک‌بالاتی دیدگاه سوم
برخوردهما شتم.

پیش‌سوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

با با بدجا معنا را نیمه فکودال - نیمه مستعمره
و با "نظام مواسته" که تضافاً تراکا روسما سه
امیرالستی تشکیل مدهد بخواند و سکوت رفقا
در رابطه با تضافاً داسی جا معنیزا نکاسی از
النقاط فکری رفقا در رابطه با پذیرش سرما به -
داری بودن و "واسته" بودن نظم تولى سدی
حاکم برجا معوما هست آن است .

و اما در مورد "سوروزای کوچک غبروا بسته"
با بدگفت که اولاً زما تنکه میگوئیم طبقه مسلط
امضای در ایران، منظور طبقه بورژوازی است
و آنجا که سرما به داری در ایران وابسته است
لاجرم طبقه سوروزای ایران نیز وابسته است .

بازی تکیه ماهر ضرورت جایگزینی طرحی مثبت که وحدت خط مشی پرولتری را تأمین مینماید، از آنروست که ما مرزبندی قاطع با انحراف انحلال طلبی "تشکیلات دوران گذار" را همزمان با نفی پوشش نوین انحلال طلبی ضروری دانسته و در عین حال کاملاً درک انحلال طلبانها را از آنجا که سرمایها داری در ایران وابسته است و آنرا در دستور قرار میدهد مظرود میدانیم.

واستگی سوروزای ایران و دقت تریگوئسم
وابستگی سرما به در ایران ناشی از وابستگی
سرما به تولید و با تولید شرایط سود آوری
امیرالستی درجا معما ایران است. از اینرو
هنگامی از سرمایها که در تولید و با تولید
(و اضافه کردی سرما به) مستقل از ما زور و شرایط
سود آوری امیرالستی عمل کند، وجود خارجی
ندارد و نمیتوان از بورژوازی غیر وابسته سخن
بمان آورد. با پیدا زرفقای بدگناه سوم برسید
برجه اساس ملاک وابستگی را برای سوروزای
متوسط و "کوچک" دومعیار متفاوت قرار میدهد.
سوروزای متوسط بدلیل وابستگی شرایط
تولید و با تولید سود آوری وابسته است. اما
چگونه است که در زرفقای "بورژوازی کوچک" اس ملاک
فراموش میشود و وابستگی فنی - تولیدی ملاک
وابستگی قرار میگردد و به اعتبار آن بورژوازی
کوچک غیر وابسته میشود؟ اینجا رگیری دومعیار
و دورک کا ملا متفاوت در زرفقای ازجا بگناه
اقتار متفاوت بورژوازی مسئله وابستگی آنها ن
چیزی جز بیان النقاط فکری که ریشه در شواش
فکری "نظام مواسته" دارد، نیست .

ثانیا مگر ممکن است مناسبات سرمایها داری
(وابسته) شیوه تولید غالب برجا معما بشود نگاه
اقتار متفاوت بورژوازی با شرایط متفاوتی و
تحت قانونمندیهای متفاوتی تولید و با تولید
نمایند، اگر بپذیریم که سرمایها داری ایران
وابسته است، این بدان معنی است که کلیت
طبقه بورژوازی ایران وابسته به شرایط تولید
و با تولید امیرالستی است و از اینرو طبقه
بورژوازی ایران وابسته محسوب میگردد .

ثانیا ما "بورژوازی کوچک" دیگر چه میفهمیم -
ای است که شما ترا کشف کرده اید؟ چه معنسی
دقیق و علمی بورژوازی کوچک "خرده" یا عبارتی
خرده بورژوازی است، مگر نه آن است که خرده -
بورژوازی، بورژوازی کوچکی است که عمدتاً خود
در تولید و با تولید شرکت مستقیم دارد، اگر چه

برنامه منسود توجه حرکت انحرافی ما لا
باشد .

تاکنون درک انحرافی رفقای "دیدگاه سوم"
را در سر خوردن به حران "وحد انقلابی" و انبساط
سارزه ایدئولوژیک علمی و مطلق نمودن امر
تدوین خط مشی و سرما به توضیح دادیم و اینکه س
احتمالی راه حل عملی رفقا را در جا بگریسی
طرح اساتذی در قبال نفی "تشکیلات دوران گذار"
بررسی نمودیم. اکنون به بررسی مواضع سیاسی
آنها ن در سر خوردن ساخت حاکمه و آراس طلقانی
بردا زیم .

۲- انحرافات سیاسی در "دیدگاه سوم و وحدت انقلابی"

رفقا در توضیح ساخت حاکمه و بیگانه طبقه
بورژوازی ایران علیرغم آنکه جا معما ایران را
سرما به داری میداند و در عین حال در مورد
توضیح تضافاً داسی جا معنسی کا روسما سه ،
سکوت کرده اند، بعلاوه رفقا از ظرفی بورژوازی
متوسط را نیز بدلیل وابستگی تولید و با تولید
آن به شرایط سود آوری امیرالستی، وابسته
خوانده اند و از طرف دیگر بده ای بعنوان
"بورژوازی کوچک" کشف نموده اند که گویا غیر
وابسته است و علت عدم وابستگی آن نزد عدم
وابستگی تکنیکی و فقدان رابطه ارگانیک با
امیرالسم و عدم اختلاط سرما به وی با سرما به -
های امیرالستی است!

ما به تشریح گسترده نظراتمان در رابطه با
مقولات فوق سرداخته و رفقا را به سبک رشو ریک
- سیاسی ۲ رجوع میدهیم که در آن نظراتمان
را بصورت مشروح در اینجا ره گفته ایم. در اینجا
میگوئیم تا النقاط فکری رفقا و انحرافاتشان
را با زگو کنیم .

آنچنان که به نظر میرسد رفقا با نظرات انحرافی
"نظام مواسته" و شواش فکری آن مرزبندی
نکرده اند. رفقا با بیده صراحت روشن کنند که
بنظر آنها ن ما هیت جا معما را چه چیز تشکیل می-
دهد، اگر بنظر آنها ن جا معما یک جا معما سرما به -
داری است، بینا ایران با پیدا بند تضافاً داسی
درجا معما سرما به داری، تضافاً داسی تولید اجتماعی
کا روما لکیت خصوصی سورژوازی بروما شل و
محصول تولید و با سرمایها رتی دقت تر تضافاً داسی و
سرما به است. هر نظری که بر این واقعیت اساسی
سربس نکند، نشان مدهد که علیرغم پذیرش
سرما به داری بودن ساخت حاکمه ما، آنرا بدستی
درک نمیکنند و عملاً ما هیت دیگری جز تولید
سرما به داری برای آن قائل است. چنین درکی

بکشا ندو این یکی منکوشد اختلافات کوچک را
بزرگ نموده و ما رزه ایدئولوژیک را کینه
میتوان در درون بک تشکیلات دنبال نمود. به
سطح بسرون بکشاند. چنین درکی اگر چه ظاهری
چپ روانه دارد، در عمل و در ما هیت مبلغ محفلسم
و انحلال طلبی است. محفلسمی که به حفظ
تشکیلات خود تمایل داشته و مرزبندی تشکیلاتی
را با سایر جریانات بدون اختلاف سیاسی -
ایدئولوژیک اساسی محازمشمارد، چنین مرز -
بندی تشکیلاتی ای کا ذب بوده و در خدمت دامن -
ردن به سراکنندگی جنبش کمونیستی و در خلاف
سمتگیری تکاملی آن قرار دارد. سراسی اگر
چنین نگرشی در رفقای "دیدگاه سوم و وحدت
انقلابی" (و اضافه سار سرنیروهای جنبش کمونیستی)
وجود داشته باشد، چه بسا قانع کننده ای را
سخا هنده جنبش کمونیستی بدهند. تنها وجود
خط مشی منسجم سیاسی - ایدئولوژیک که مفار
ناظ مشی های موجود در جنبش کمونیستی است،
میتواند هویت مستقل دیدگاه سوم و وحدت انقلابی
را توجیه نماید و اگر چنین نیست، براه انداختن
جریان مستقلی به بهانه ضرورت "انسجام
بخشیدن و تدقیق کلیه مواضع" و حل و رفع بارهای
از "بها مات" حرکتی فقیرانه و همچنانکه ذکر
کردیم، نشا نگر وجود اندیشه های محفلسمی و
سکتاریستی و علاقه و فریه "حفظ تشکیلات مستقل"
میباشد. از نظر ما اختلافات و ابها مات نا حیز
و کوچک میتوانند در پروسه مبارزه ایدئولوژیک
درونی برای دستیابی به وحدت حل گردد و
نمیتوان قبل از طی چنین پروسه ای، بدلیل
ابها مات و اختلافات کوچک و ضرورت منسجم
نمودن مواضع (مواضعی که در اختلاف قابل توجه
با مواضع نیروهای دیگر وجود ندارد) حرکت
مستقلی را براه انداختن این تجربه ای است که
مبارزه ایدئولوژیک درونی رفقای "درک" صحت
آن را نشان داد و آنها ن را از سراه انداختن
جریان مستقلی که فاقد مرزبندی اساسی بسا
سازمان ما بود، منع نمود و حل اختلافات و
ابها مات آنها را موکول به طی مبارزه ایدئو -
لوژیک درونی جهت دستیابی به وحدت با ما نمود.
بازی، تنکه بر ضرورت جایگزینی طرحی مثبت
که وحدت خط مشی پرولتری را تأمین مینماید،
از آنروست که ما مرزبندی قاطع با انحراف
انحلال طلبی "تشکیلات دوران گذار" را همزمان
با نفی پوشش نوین انحلال طلبی ضروری دانسته
و در عین حال کاملاً درک انحلال طلبانها را
که پراکنندگی و ایجاد مرزبندیهای کساذب
تشکیلاتی را در دستور قرار مدهد مظرود میدانیم.
و آنرو که رفقای "دیدگاه سوم و وحدت انقلابی"
با انتقاد ما رزه ایدئولوژیک به بهانه انسجام
مواضع ... درک مطلق گرا با نه و در عین حال
انحلال طلبان خوش را از تدوین خط مشی و
سرنا مه ارا نه میدهند، ز مننه سوروزا انحرافی را
که در بالا توضیح دادیم، در رفقا قوی میدانیم،
چه درک مطلق گرا با نه رفقا از تدوین خط مشی و

۲- در برخورد به هیئت حاکمه و توده‌ها

تصور میکنم تمام رفتارهایی که در کارخانه‌ها کار میکنند و فوری به این صحنه برخورد کرده‌اند که عناصر روزیونیستهای اکثریتی به اصطلاح برای "تزدیک شدن به توده‌ها" و در واقع برای تحمیل توده "چگونه در انجمن‌های اسلامی کارخانجات که اهرم‌های سرکوب جناح حزب حساب حاکمه در کارخانجات است وارد شده و حتی از خواندن نماز و یا گفتن تکبیر و نماز آن‌ها جدا رند. البته هیچگاه یک کمونیست به آداب مذهبی یا اجتماعی مردم (هرچند هم ایده‌آلیستی باشد) تا هنگامی که زمینه عینی برای توضیح اس‌اس‌آلسم نزد توده‌ها فراهم نشده بی‌اعتنا نبوده و نیست، ولی فرق است میان احترام به شعور و سنن توده‌ها با شرکت فعال در این مراسم

و تصفیه آنها و بهم‌را همه خلوکری ارسسند مبارزه اندولولوژیک درون سازمانی کربم. ما لازم نمیدانیم که در این راه ارسس خود حرف بزنیم و خواستدگان را به مطالبی که در خضوات رفعا اقلیت و دیگران بوسندیده رجوع میدهیم و بعنوان مثال به مثل حدس طراز "خروه‌ما سخ به نحر فعات جناح راست" (جناح حاکمستان) راجع به مواردی که ارجحاط سکسلاسی مرکزب روزیونیست موارس سازمانی را زبریا کدارده اکنفاه میکنند.

حوزه مزبور از جمله اس موارد مرسومه ؛ "اخراج‌های سی دلیل، تصفیه‌های اندولولوژیک کنترل مسئولینهای سازمانی به‌خاطر اختلافات سنسلی، سرپوش کداسس براخلاف نظرات و تنزل آنها تا حدماثل سخمی و دست زدن به تسلعاب

و عدم اطباء وجود دارد، سا با نامسان عناصر آگاه که سرور رهبران خاش فداثسی (اکسرس) شده اند با خود این رهبران نقابوب گذاست، اگرچه در مورد اس دسته سر حاصبه درجه و اسنگی سیاسی تعمیق و داوم باید مسلما در روساب و حل و جوی آنها سرا جوا هسد گذاست.

ما شنوده رمار و معارهای اخلاسی روزیونیستهای فداثی (اکثریت) زاده رسه عرمه رسر مخصراماسکافم.

- ۱- در برخورد به روابط درون سازمانی
- ۲- در برخورد به هیات حاکمه و توده‌ها
- ۳- در برخورد به سروهای کمونسوا نقلاسی

۱- در برخورد به روابط سازمانی

در تمام اساسا به‌های احزاب کمونیست که روابط سکسلاسی دسته‌سما هک برولنا رسا را تعریف و معنی مسا زنده، سده‌های وجود دارند که در آن مقررات تحطی ناسدسری سرایاسندی به‌شئون اخلاسی در نظر گرفته شده که در صورت عدم رعایت آن، سخطی کسده از حزب اخراج خواهدسد سکی از اس مقررات رعایت اصل رفافت کمونیسی در روابط سس رفعا ی حزسی و سازمانی اسبه. کسی که مسخواهد خود را به اولسن اصل اخلاسی کمونسسی سعبی فداکاری تبادل جان در راه آرمان کمونسسی و سازمان حزسی ساسبسد سماند، طسعا سمنوا ندد در اس راه از اصل رفافت کمونسسی غافل ساسد. در زندگی حزسی ساسد ار هر کوبه‌سی صدافعی، خودخواهی، دوروئی، دوروکلیک، ساندازی، سوروکرا نسسم، سی، اصساطی و لامسدی، سن بیروری، حوکدرا نی، احزاب اخلاسی و مانسد آن برهسر کرد، در غیر اس صورت سدی سارمانی فلح سده و روحسه رفافت کمونسسی که رسنه لازم سرای مسارزه سارمان حزسی اس از زمان سرودوهای آنرا سکو حوه حده بورروائی ساورزوائی سیکرد. سرای اسکه اس محط رفافت آسزسرولتری سرای سارره حزسی مادب ساند، ساسنا مسه سارمان، حزسی روابط و ساساسی راسسن اعصاب سارمانی وارکانهای نالو ساسن معسن کرده که همگان ساند ار آن سیروی سماند، اصل ساسرالیرم دمکراسیک مسم رس اسلی اسست که اس روابط رامعین مینا زد. کسی که در سارمان حزسی دست به اجبا ذراکسون سمرئذ، کسی که دموکراسی سوده‌ای درون سارمان ساسر کوب کرده و آسرافدای خود ساد رودسه معسن مسارد، حسن کسی هرگز سمنوا ندد ارجحاط ایدئولوژیک به آرمان سیرولتا ریا خدمت کرده و رفافت کمونسسی رفقا را از میان سی برد.

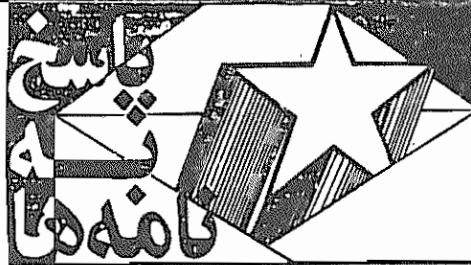
ارهنگامی کددا رودسندر روزیونیست حاکم سر "اکثریت" درون سازمان جزیکهای فداثی س خلق سکل گرفتند و سرور عمار انقلابی راهمهاده با انددهای انقلابی سازمان از آن طرده کرده اصل سائترالیسم دموکراسیک کاملا زبرپانها دده و جوی آنرا سرکوب عمار انقلابی و اخسراج

● بتدریج که جریان روزیونیست کاملا غلبه کرد، روابط درون تشکیلاتی نیز مایه‌ها شکستل بورژوازی بخود گرفت و سببهوده نیست که امروزه دعواهای درون رهبری اکثریتی دعوامیان باند‌های روزیونیستی است که هر یک سرای گرفتن اهرم‌های تشکیلاتی از دست دیگران وسمت دادن سازمان بمسوی این جریان روزیونیستی (پونوماریف) سبب آن جریان روزیونیستی (سوسولف) بایکد سبگرد رقابت هستند.

و حتمق توده‌ها از آن طرق در شرابطی که اکثریت کارگران نه به نماز جماعت میروند، نه در بسج اسم مینوسند و نه علاقه‌ای به تشکیل انجمن اسلامی نشان میدهند، ما ساهد شور و علاقه سی کران عناصر روزیونیستهای اکثریتی در دامن زدن به اسگونه علائق در کارگران هستیم دلیل این امر چیست؟ سراساقول لنتیسن: "روزیونیستهای بیش از خود بورژوازی نسبت به بورژوازی خدمت میکنند." روزیونیستهای عناصر آگاه بورژوازی هستند و بیش از افراد عادی این طبقه، کارخانه‌داران کودن، مقامات احمق ساه ساداران و کسبه‌ها وارث و... منافع طبقه بورژوازی را سناخته و به آن خدمت میکنند آنها عناصر آگاه "خط امام" هستند و برای همین بیش از خود حزب جمهوری واعوان وانمارا و سبه آن خدمت میکنند و اگر دوده حاکمه به آنها هنوز چندان روی خوش نشان ندهاده بدون شک، بمعنی است وسس از مدتی رفق این کدورت هم خواهدسد!

روزیونیستهای فداثی (اکثریت) نوکران بورژوازی هستند و برای همین هم نسبت به او روحه سوکرما سانه و جاکری دارند، آنها از توده سها مسخواهند که نسبت به رژیم نوکرما سانه سر جورد کنند و از آنجا که رژیم در تحمیل توده‌ها از عقب مانده ترس احساسات آنها (یعنی احساسات عقب مانده و خرافاتی مذهبی) اسفاده میکند آنها سبزهبا سارژیم دست به اس سوسا سعادده سزینند. مثلا شرکت در روزهای سینه زنی عاسورا، ساسوعا و سسر علم و کتله را کر فتن و جلودا رسنه هاشدن کاملا نادرست است اسس عمل، به سح عنوان به مفهوم "احترام به سنسن احماعی مردم نبوده، بلکه در واقع به مفهوم

مسموم علیه نقطه نظرات مخالف...". البته حرمان طرد و سرکوب عمار انقلابی فقط یک وجه از حرمان درونی سازمان جزیک هاست اکثریت سوده، بتدریج که حرمان روزیونیست کاملا غلبه کرد، روابط درون تشکیلاتی سسز مایه‌ها شکل سورژوازی سخوده گرفت و سببهوده نیست که امروزه دعواهای درون رهبری اکثریت دعوامیان ساند‌های روزیونیستی است که هر یک برای گرفتن اهرم‌های تشکیلاتی از دست دیگران وسمت دادن سازمان به سوی اسس جریان روزیونیستی (پونوماریف) سبب آن جریان روزیونیستی (سوسولف) بایکدیگر در رقابت هستند، تقریبا سببه به همان سوه‌ای که در حزب سوده باندکناوری ساند اسکندری را کنا رگذاست و مانسد آن، اس سوه‌های رفتار تنها و تنها اسگامی اسنا را اندولولوژی سورژوازی در روحاب روزیونیستهای حدسبده الولاده فداثی (اکثریت) که در برخورد به عناصر انقلابی از سبوه برخورد سورژوازی نسبت به سیرولتا رسا (تحمیل و سرکوب) و در برخورد به رفعا ی خود از سوه برخورد با ندهای مختلف بورژوازی نسبت سبکدیگر (سودطلبی برای ساند خود در عین حفظ وحدت صورت مشروط) تقلید سمنابند، و طبیعی اس که در چنین شرایطی سح سروی انقلابی ساسد در درون اسس سارمان سماند اسخال ساطل کسده از درون مسارزه راسس سترد ساسی سماند، چرا که اسس سارمان ماسسن سورژوازی شده و مانندن در آن به اسد اصلاح آن به اس سماند که سرفرمسب جواهد سسگاه دولتی سورژوازی را از درون اصلاح کسد، اس سازمان را فقط ساند طرد و اس کید و فقط اراسی طریی است که سمنوا سابده های آن مسارزه نمود.



پیدایش این حالات، گاه برخورد های لیبرالی نیز نقش دارد که نباید آنرا نادیده گرفت .
موفق و پیروز باشید!

رفیق م فرناز! در نامه‌ات از اینکه در پیکار ۹۵ مجاهدین را "بدو از یک مشی انقلابی" خوانده ایم، ما را مورد انتقاد قرار داده بودی لازم به توضیح است که ما مجاهدین را نیروی میانه‌ای که در صف خلق و انقلاب قرار دارند می‌دانیم این سازمان دارای گرایش‌های شدید لیبرالیست است به خصوص در رهبری خود میباید، اگر یکی از دلایل شدت باسی این انحراف ضعف نیروهای کمونیستی است که وظیفه ارتقا و هدایت دمکراتها خرد بورژوا نظیر مجاهدین را بعهده دارند، علت مهمتر آن ناشی از یک گرایش طبقاتی است. بنا بر این روشن است که ما سازمان مجاهدین را نیروی ضد انقلابی نمی‌دانیم ولی مشی حاکم بر آنرا متزلزل و آمیخته با گرایش‌های فرمیستی می‌دانیم. مضمون آنچه هم در پیکار ۹۵ مورد نظر بوده، جز این نیست .

پیروز باشید!

رفیق نادره، در یکی از انتقاداتی که به اعلامیه "راهیما ۲۳ دی ... " داشتیم مینویسد: مرحله انقلاب ما دمکراتیک است نه سوسیالیستی پس اکنون نباید حتی حکومت سوسیالیستی را مطرح سازیم. " از آنجا شیکه ممکن است چنین اشتباه‌ها حتی در منکر رفقای دیگری نیز باشد توضیح مسئله می‌پردازیم .

رفقا! با بد توجه داشته باشیم که کمونیستها تنها بندگان طبقه کارگر و بخش بی‌شروع هستند سراسر این همواره میبایست از موضع منافع تاریخی پرولتاریا حرکت کنند. می‌دانیم که این منافع تاریخی تنها وسیله سوسیالیسم است بافتنی است. یعنی طبقه کارگر برای رسیدن به کمونیسم میبایست طی یک دوره به اعمال دیکتاتور خود پرولتاریا یا ختمان سوسیالیسم بپردازد و برای این منظور ابتدا میبایست دست به انقلاب سوسیالیستی بزند ما آنچه در جوامع نظیر ایران مرحله انقلاب را دمکراتیک می‌کنند، عدم آمادگی شرایط عینی و ذهنی برای انجام انقلاب سوسیالیستی است. یعنی از یک طرف طبقه کارگر از تشکل و آگاهی کافی برای اعمال دیکتاتور خود برخوردار نیست و از طرف دیگر بعینت عقب ماندگی جامعه و تسلط امپریالیسم، تجزیه طبقاتی در میان دهقانان و خرده بورژوازی شکل نگرفته و بخشهای وسیعی از این اقشار در رضا دآشتی نا پذیر یا امر با لیسیم و سیستم سرمایه داری وابسته قرار گرفته و لذا خواهان انقلاب نیستند. بدین لحاظ طبقه کارگر برای انجام برپا می‌دهد اکثر خود (انقلاب سوسیالیستی) محسوس است در کنار این - اما را انقلابی با احیای انقلاب دمکراتیک - ضد امپریالیستی بر اساس برپا می‌دهد اقل و رهبری خود به نتیجه برساند تا شرایط برای انجام

سفته در صفحه ۲۲

از زندگی صدها میلیون زحمتکش سراسر جهان که تحت ستم و استعمار طبقات استعمارگر و نظام سرمایه داری قرار دارند. سوسیالیسم تنها راه نجات این توده های زحمتکش است و این وظیفه ما کمونیستهاست که با تلاش بی‌گبر و خستگی ناپذیر خود در راه آگاه کردن توده ها و آرماسن سرخ کمونیسم بکوشیم! با میدان روزی که شما می زحمتکشان و کارگران همانندت و بتوانند به منافع طبقاتی خویش واقف گردند. پیروز باشید!

رفیق م - از خوزستان برای ما نامه ای ارسال داشته و در آن به بی توجهی برخی از رفقای نسبت به مسئله سلامتی جسمشان اشاره کرده است و اینکه چگونه، رفیق بیماری که به توصیه های رفقایش برای مراجعه به دکتر درمان خویش بی توجهی کرده، دچار بیماری سل گردیده است. رفیق! از ما خواهش می‌کنیم در باره این موضوع برای رفقای ما بپردازد و مختصر توضیحی بدهیم .

رفقا! آنچه که در زندگی کمونیستها نقش محوری و تعیین کننده را بازی میکند، همانا تالشبرد هر چه بیشتر مر مبارزه طبقاتی در چینت آرمان طبقه کارگر است. کمونیستها در این راه حتی از نثار جان نشان که با آرزوی ترس چیز برای انسان است، دریغ ندارند. اما آنچه را که نباید فراموش کرد مسئله ندامت و مبارزه و ضرورت بای - داری هر چه بیشتر در سگرمبارزه طبقاتی بر علیه بورژوازی است. آنچه که منافع پرولتاریا را اقتضا کند ما از سارجان خویش نزدیک به دروغ کنیم. کمالی که در طول تاریخ تمامی کمونیستهای راستین اینچنین کرده اند و اینچنین نیز خواهد کرد. اما آیا بخاطر انداختن سلامتی و روحیه ما ن بخاطر بی توجهی به آن و اینکه احیاناً مدد و ای بیما ریا را "ضعف دانستن خدمت به آرمان طبقه کارگر است؟ مسلماً خیر ما نه تنها برای هر چه بهتر پیش بردن مبارزه بر علیه بورژوازی به جمعی سالم احتیاج داریم، بلکه تا آنجا که سمارهای کمونیستی ما - اجاز دهند میبایست خود را برای ادامه مبارزه حفظ نمائیم. هرگونه برخوردی جز این، تا در سب و موجب تضعیف نیروها همان مسکودد.

در برخورد با رفقایی که احیاناً دچار اسس گرس نادرت نسبت به سلامتی خود هستند، باید صمی سکافس مسئله یک ننگه را ارجا طرسرسمو آنچه روحیه فداکارانه و انقلابی اس رفقاسب سنا بر این هرگونه برخورد مطلق گرا باشد که اسن روحه وانفی کند، برخورد راست ارزیابی میشود. در

رفیق م - ق از اهدان: این رفیق که متولد پاکستان است و از کودکی بعینت از دست دادن پدر و مادرش، مشقات فراوانی را متحمل شده شرح زندگی اش و چگونگی کمونیست شدن خویش را طی نامه ای برای ما با زگو کرده است که در زیر خلاصه ای از آنرا نقل میکنیم: "با درود رقیقا نه نامه را شروع میکنم... بعد از مرگ پدر و مادر مرا بدست مادر بزرگم گذاشتند بعد از ما در بسزرگ افتادیم بدست عمویا که برای منافع خود مرا به پیش از حد استعمار میگرداند. اگر نمیتوانستم کار کنم کتکم میزدند. با رها آرزوی مسردن را میکردم. چیزیکه هرگز فراموش نمیکنم اینست که پس از بیاب در عوض دادن تکه نان مرا واد میگرد. بونه های خارا از زیر پا له کنمتا زه اگر عمویا من متوجه میشدند با چوب مرا میزدند و بر آب سرد می ریختند... چند بار رقص فرار کرده بودم تا اینکه سرانجام موفق شدم به حیدرآباد دیگر بزم در آنجا چند سال به همراه خانواده فقیری زندگی کردم... با لآخره تصمیم گرفتم به ایران بیایم و بدین منظور فاصله شهرها را پیداه طی کردم. تا به زاهدان رسیدم. در آنجا یک نفر مرا به فرزند قیبول کرد و بدین ترتیب دارای خانواده شدم. اما چون "پدرم" معتاد بود و خواهرها هم به مدرسه میرفتند، تصمیم گرفتم که هرگز به خود فکر نکنم و تا زمانیکه آنها درس میخوانند خرجی شان را در بیایم. بدین منظور عازم تهران شدم. شهری که در آن زالوصفتها در آن به عیش و نوش میبردند و کارگران و زحمتکشان. به قشروش نیروی کارشان. در تهران در مغازه نانوائی و از ساعت ۲/۵ نیمه شب تا ۸/۵ بعد از ظهر در مقابل مزدنا چیزی کار میکردم و خرج روزانه من فقط ۱۵ ریال بود. بقیه درآمدم را برای خانواده ام میفرستادم. چند سال بعد که من در شیر قهرمان سندانج کار میکردم خواهرم نزد من آمد و به تحصیل خود ادامه داد. دو ماه به مدرسه شیان رفتم و به کمک خواهرم خواندن و نوشتن را آموختم تا اینکه قیام صورت گرفت در سندانج به همراه مرد زحمتکش بر علیه مزدوران رژیم شاه مبارزه کردیم. یکی از دوستان هم در این مبارزات شهید شد. بعد از آن عازم تهران شدم و با رفیق "ک" آشنا شدم. بر اشکوشهای او خط مارکسیست - لنینیست را پذیرفتم و بعد از ۱۵ ماه به زاهدان بازگشتم و بلافاصله در یک کارگاه مکانیکی مشغول بکار شدم. تا اینکه با رفقای پیکار آشنا شده و شروع به فعالیت کردم. یکشب که برای شعارنوسسی رفته بودم "پدرم" متوجه شد و خواست که با هم را بسوزاند که با مقاومت من روبرو شد. بنا بر این از من خواست که با خانواده ام را استخاب کنم و با به راه سکار بروم. من با تمام وجودم پیکار را استخاب کردم و بعد از مدتی از آنها جدا شدم و اکنون در یک اطای زندگی میکنم که به در دونه بیخبره و چیزی ندارم در چند کارتون سرباز سازمان پیکار و یک قوطی رنگبری شاعرنوسسی!"

رفیق م - ق! سراسر زندگی شونونه است

تحفه دیگر جنگ ارتجاعی: بیماری روانی

پنج ماه جنگ ارتجاعی که صدها هزار رهنراز مردم زحمتکش ایران و عراق را به فلاکت و درماندگی کشانده، ارمغان دیگری سز برای زحمتکشان ما به همراه داشته است. در اشراف‌های ناشی از جنگ ارتجاعی رژیم‌های ایران و عراق عده زیادی از آوارگان جنگ زده و سرانجام ناچار حتی‌های روانی دچار شده‌اند. هم‌کنون در بیمارستان‌های شران، عده قابل ملاحظه‌ای از این سماران در بخش‌های روانی بسر می‌کنند. این فرمان‌ها در جنگ در شرایط سخت سمار که زندگیشان را کاملاً تهدید می‌کنند نیز از سرگوب عوامل رژیم در امان نیستند. اغلب این سماران بخاطر تحمل فشارهای روحی، علیرژیم و سردمداران‌شان به فحاشی می‌پردازند و این حالت بیش از اینکه نتیجه خشم‌آگاهانه طبقاتی آنها باشد، سستی کامل به شدت سمار آنها دارد. اما مزدوران رژیم در دفاع از منافع ارتجاعی‌شان این حرف‌ها سرشان نمی‌شود. در هفته گذشته ساداران چهل و سرما به بی‌ارکتک زدن معصوم یک سمار جنگ زده که مقامات رژیم را مورد حملات لفظی برار داده بود، ویرا دستگیر و علیرغم اعتراض کارکنان سمارسان او را به زندان منتقل کردند.

۵ ماه جنگ ارتجاعی برای زحمتکشان ما جز مرگ، نقص عضو، درسدی و سغانی، فقر و فلاکت، گراتی و قحطی، سمار و ودها خطر انحراف و... حسدگیری سارنبار کرده است.

روزیونیستهای اکثریت بازهم افشا میشوند

حندی بیش یکی از هواداران سازمان به هنگام نوشتن ساربر روی دسوار، با کارگر سارنالی روبرو می‌شود. مرد کارگر از رفیق می‌پرسد "چی نوشته‌ای؟" رفیق پاسخ می‌دهد "نوشته‌ام که این جنگ به ضرر مردم است." وی می‌پرسد "نوحه عقده‌ای داری؟" رفیق حساب می‌دهد "من کمونیست هستم" رفیق در حضور این کارگر زحمتکش شاعر را کاملاً مینویسد و بعداً هم به صحبت‌ها ادامه می‌دهد. وقتی رفیق نظر سازمان را سرامون ارتجاعی بودن این جنگ وانسکه مافع سرامی‌داران رانامین می‌کند، توضیح می‌دهد، وی سؤال می‌کند "اگر شما در جنگ شرکت نمی‌کنید چرا جریمه‌های فداشی جنگ می‌کنند؟" سپس رفیق به افشای وضع سازمان

اخبار جنگ

فداشان (اکثریت) سردا خنه می‌گوید که آنها فداشی خلق نیستند بلکه فداشی سرامی‌داران و برضد زحمتکشانند. وقتی مرد کارگر مروحیه می‌شود که فداشان اکثریت کمونیست نیستند، ساطمنان خاطر می‌گویند "اخرت عجب بودم که اگر آنها کمونیست هستند چرا می‌گویند سارند ساداران اسلحه‌های سنگین دادند" سه هنگام خداجا فطی رفیق می‌پرسد "مهدی توهم کمونیست هستی؟" وی می‌خندد و می‌گوید "نه کمونیست نیستم ولی از دولت خمینی خوشم می‌آید."

مجنهای این کارگر زحمتکش نشان می‌دهد که چگونه فدت روزیونیستهای اکثریت سار کارگران و زحمتکشان برای نوده‌های خلق اساده و آنها همه همکاری و سازش اسن خاسن به خلق سارژیم سرامی‌داران و ارگان‌های سرکوبگران، بی‌مبیرند. آری نوده‌ها از رژیم سرامی‌داران و روزیونیستهای مرتد و جنگ ارتجاعی سزارندوشنه آگاهی و قفا با ایمان به پیروزی نوده‌ها و با ایمان به درستی خط سزولتری سار زمانمان به پیش!

خواسته‌های معلمین جنگ زده

هموطنان آگاه و مبارزان! شرایطی که این جنگ سرامی‌تحویل کرد، ما را همچون دیگر مردمان مناطق جنگ زده آواره شهرها و روستاها کرده است و از آنجا که تمام هست و نیست خود را به خاطر نداشتن امکانات حمل و نقل سرجای غذا شتم، هم‌کنون ما در نقاطی سارکن هستیم که از حداقل امکانات رفاهی نیز برخوردار نیست. این دردنه تنها گریبانگیر ما بلکه بلای خان تمام آوارگان زحمتکش مناطق جنگی می‌باشد. مسئولین رژیم وقتی با فقری ما برای تامین حداقل امکانات رفاهی را دیدند به شیوه‌های فدمردمی بنا بردند، و آخرین حرکت آنان، اخراج و معلق کردن دوتن از نسا بندگان سابق و نیز مزدور کار متعلق به تن از نسا بندگان فعلی ما می‌باشد که همگی حرمان احقاق حقوق خود و دیگر همکاران نشان است که ما این عمل فدانسانی را به رسمیت نشناخته و آنا سار همان سار بندگان و همکاران فرهنگی خود می‌دانیم.

هموطنان آگاه و مبارزان! خواهش‌های ضروری

و به حق خود را می‌گوئیم تا شما نیز از سرخورده سار مردمی مسئولین رژیم آگاه گشته و قفا و ت کنید.

- ۱- لغوا حکا ما دره در مورد نسا بندگان سابق و فعلی.
- ۲- بر داخت حقوق کامل (زیرا از حقوقمان را که فعلاً در سافت می‌کنیم، کفاف مخرج سنگین زندگی را نمی‌دهد)
- ۳- سارمین ممکن سار ساربان جنگ
- ۴- ایجا دگلاسه‌های درس در ساجد، خواگانه‌ها و سارکلاسه‌های دانشگاه برای خیل عظیم دانش‌آموزان جنگ زده.
- ۵- به رسمیت شناختن نورای هما هنگی منتخب معلمان.
- ۶- ...

سارندکی تلخیص و تفسیر به نقل از اعلامیه "معلمان جنگ زده خوزستان - ساکن سراز"

راهپیمائی اعتراضی جنگ‌زدگان ساکن خوابگاه ۲۵ درسی برای همه جنگ‌زدگان!

شیراز
"دیگریس است گرسنگی، دیگریس است سرما و بی‌بوشاکی، دیگریس است بی‌بهداشتی، از اینهمه فشار و زورگوئی جانمان بر لاسب رسیده است. بایدا زاین وضع فلاکت‌بار، سارید از مصیبت‌های این جنگ ارتجاعی و لعنتی سار مبارزه خلاصی یابیم!"

همشهریان جنگ زده! خانه‌خوابی ما زور - گوش‌های رژیم، اگر ما ساکت بنشینیم، ادامه خواهد یافت. حتی زمانی که جنگ هم‌تاما شود، اینها دست از سرامی‌برنخواهند داشت. پس همه با هم از حرکت خوابگاه ۲۵ و دیگر حرکات تعرضی آوارگان جنگ ما سارند؛ ما دره یک سار ختمان توسط معلمان جنگ زده یا ما دره یک سار ختمان روبروی دانشگاه پزشکی توسط عده‌ای از آوارگان جنگ و... درس بگیریم.

در تاریخ ۵۹/۱۱/۹، به علت نرسیدن مواد غذایی، وضع بدسکن، وجود خفقان در خوابگاه و آزار و اذیت زنان زحمتکشی که حجاب اسلامی نداشته‌اند و همچنین دزدی‌های مواد غذایی بسوسله‌سارداران، بسین آوارگان خوابگاه و ساداران درگیری بیش می‌آید و بسین آوارگان با دادن شعار بر طرف استا ندری حرکت کرده و بسار زور و اراد استا ندری می‌شوند و وقتی استا ندر را فراری می‌سینند بسارها را می‌جون: "سار

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده‌های ایران و عراق

نگاهی به جنبش آوارگان جنگ در سراسر ایران

مصادره خانه‌های خالی "ملک شهر" بوسیله معلمان جنگ زده

ساکنان آنها، برای حل مشکل مسکن، دست به مصادره انقلابی خانه‌های خالی "ملک شهر" (واقع در حومه اصفهان) میزنند. طبق معمول سرو کله با سداران سرما به پیدا شده و آنها در مقابل مقاومت معلمان جنگ زده با خشونت تعدادی از آنها را دستگیر کرده و به زندان رمی و سپس برای سازجویی به "دادگاه انقلاب" میبرند. در دادگاه معلمان سارزآواره از حق خود دفاع کرده و میگویند تا به آنها خانه ندهند از "ملک شهر" خارج نمیشوند.

رژیم در مقابل مقاومت فرهنگیان آنها را با ضامن آزادی کرده و چند نقطه را برای سکونت آنان شناسایی میکند که به علت نداشتن امکانات، معلمان از قبول پیشنهاد آنان سر باز میزنند. مبارزه و مقاومت فرهنگیان برای حفظ خانه‌های مصادره شده، ادامه دارد.

معلمین مناطق جنگ زده به همراه سایر آوارگان سارز، در شهرها به مبارزه خود برای بدست آوردن خواستهای سرفشان ادامه میدهد. برای حل مشکل مسکن راهی مبارزه مصادره انقلابی خانه‌های خالی نمی بینند. روز دوشنبه ۵۹/۱۱/۱۳ معلمان سارز خوزستانی

هر آواره، بان، مسکن، آزادی، "هر بنه زندگی با موقع نیگاری برای آوارگان بردا حت باید گردد" و... به نظر ادا مدهد.

دروزیسه، آوارگان سارز در گرجا...
حوا نکا جمع شده و سارگونان نظرف اسنادای حرکت میکنند. درسی راه عدهای ارغاب...
سارلرل منگوسدح روی نکنند و سارسان، مسکن، آزادی را بدهند! اما زسان رحمتکش در پاسخ میگوید: "ما حوروی سارمان نمسود، سارمان مسخوا هم، مسکن هم مسخوا هم، آزادی را هم مسخوا هم". عدهای سارها و سارسان روزیونست...
های حاشن لحن ساراکی میکنند که: "اسن گارسانا عت بصمف دولت مسود" اما آوارگان در پاسخ میگوید: "بصمف یعنی چه، ما با نظر آنها آواره شده ایم" و یکی از زسان زحمتکش عرب در حالیکه به حد دختر بسجی حمله میکنند میگوید: "سما رکی ز سر خودمان سوده، خون ریزی های آوادان هم ز سر خودمان بود، جنگ راه خودمان از خوزستان شروع کردید دیگر از خان ما چه مسخواید، آری توده های آگاه دسنان خود را خوب تشخیص میدهند. هنگا مکه آوارگان به استنادای مسرسند، عمال رژیم هریک به سعی شروع به عوا مفریبی میکنند که با افسا گرسهای آوارگان عقت مینشند. یکی از زسان زحمتکش سیشها د میکنند که: "راه سمائی کنیم و در دوطرف خانان هم روی سار حسه بنویسیم که، مردم شیراز، کمکهای شما مسرسند، ولی با سداران آنها را میدزدند، ما با با سداران طرف هستیم ما شما، نا مردم به عهت مده که ما چه میگوئیم و رژیم نتواند تبلیغات دروغ راه بیاندا زد" وزن زحمتکش دیگری میگوید "همان طوریکه خون دادیم و اسن انقلاب را آساری کردیم، هما نظور هم خون میدهم و انقلاب سادی را آساری میکنم".

آوارگان از سان خود ۴ نما بینه انتخاب کرده و با خواستهای زیرین استاندا ریفرستند:
۱- رفع هر چه سریع تر بنیای زهای اولیه جنگ زدگان از قعیل سوخت، پوشاک، غذا و وسایل زندگی
۲- بردا خت حقوق برای تامین معاش خانواده های جنگ زده.
۳- قطع سرخورد های غسانانی و توهین آمیز مقامات مسؤل رژیم نسبت به آوارگان جنگ
۴- تامین سهدات.
۵- اسحا دشورا از سان خود آوارگان جنگ.
اما ما سنده همیشه سنا سندا در ریاسخ ساسدگان فقط وعده و وعید میدهد.
همشهریان جنگ زده! سارزات خود را ادامه میدهم، منحد و سکیا رجه سارزات خود را برای گرمش خواستهای بر حقان ادا مدهیم.
به نقل از علامه "گروهی از آوارگان مبارز شیراز" با اندکی تلخیص و تنسیف.



مبارزه علیه جنگ رابه اهرمی برای گسترش انقلاب بدل کنیم

نیمه رصحه ۱۲ وحدت

ممکن است چند سالی در آینده با مزید گسترش زبردست خود داشته باشد. آن نفع سندی که شما به اتکای آن از سوزواری کوچک نام میبرید و آن است که شما صاحب حدوده کارگر میدانید، چیزی جز حرسده - سوزواری مرفه نیست. و نام آن موسسات تولید سرکارخانه سوده، بلکه کارگاههای کوچک - خرده سوزواری مرفه است. اگر شما صاحبان چنین کارگاههای کوچکی را "سوزواری کوچک" می - خوانند، پس بگوئید چه متری را خرده سوزواری مرفه میدانند؟ بکنند مولا خرده سوزواری را به سوزواری "خرده" (سوزواری کوچک) بلکه از ساردهگری میدانند؟ آنچه خرده سوزواری (اعم از متوسط و مرفه) را از سوزواری جدا میکنند، همان تولید کالائی ساده و گسترده است که اولی حیطه عمل خرده سوزواری را تشکیل میدهد و دومی حیطه عمل سوزواری و از اینرو است که خرده سوزواری در ایران "وابسته" محسوب نمی - گردد. چه با سرمایه وی در محدوده تولید خرده - کالائی و محلی قرار داشته و در بازار انحصاری جامعه در تولید و بازنشانی و گسترش آن فرایند دارد. در عوض، طبقه سوزواری ایران از آنجا که به تولید کالائی گسترده وابسته است و تا مین سود آن جز با گردن و تولید و بازنشانی وابسته است - برابط سودآوری و بازار امریالسی ممکن نیست، "وابسته" محسوب میگردد.

از اینرو ما در اساس "سوزواری کوچک" را بعنوان جزئی از طبقه سوزواری قبول نداشته - و آنرا بعنوان خرده سوزواری می شناسیم، همانطور که رفیق لنین و استالین نیز از دهگانان مرفه (خرده سوزواری مرفه) بعنوان "سوزواری ده" نام میبرند. سومین انحراف سیاسی که در دیدگاه رفقا در برخورد به قدرت سیاسی وجود دارد، همان سوزواری سوداگرنامیدن جناح خرده سوزواری هاست که (خمینی، منتظری و...) است بنظر ما در آنکه حزب جمهوری اسلامی دارای ماهیتی سوزواری بوده، شکی نیست، اما ما به خمینی و جناحی از حزب جمهوری اسلامی (که جناح مغلوب است) بسما به خرده سوزواری مرفه سنتی اعتقاد داریم. از اینرو اختلاف ما با رفقا در ارزیابی از جایگاه خمینی و جناح خرده سوزواری هیئت حاکمه است که رفقا آن را نیز بعنوان "سوزواری سوداگر" معرفی کرده اند. بنظر ما با توجه به موضعگیریهای خمینی قبل از قیام، او نمیتواند بعنوان نماینده سیاسی بنسوزواری سوداگر باشد. زیرا خمینی در زمان شاه خواهان مبارزه علیه رژیم شاه و بخصوص سلطنت و شخص شاه بوده و در حد مسمی دارای تضاد با انحصارات امریالستی و با نسل سلطنت بود. اما سواضح است که در همین مبارزه دارای تزلزلان و ناسان سگریهای فراوان بود. حال آنکه در زمان شاه هیچکدام از جناحهای سوزواری نمیتوانست علیه رژیم سلطنتی شاه مبارزه کند و اختلافات این جناحها با شاه سرخود کامی و مطلقگی

دیگتا توری شاه بود. این جناحها خواهان تعدیل دیگتا توری شاه و اعمال دیگتا توری نما طبقه بودند و از شعار "شاه با سلطنت کننده حکومت" جانبداری میکردند. خرده سوزواری مرفه سنتی به نما بندگی خمینی علیه رژیم شاه و سگریهای خود مبارزه علیه سلطنت شاه و بیخشی را اصرار میورزد. حال آنکه هیچکدام از سخیهای سوزواری از چنین موضعی برخوردار نبوده و بیوسته - منگوشدند که خمینی را به سازش با رژیم سلطنتی بکنند. با طبع خمینی سزیه لحاظ ما هست طبیعتی شدیدا منزلیل خود چنین امکایی را فراهم میساخت. با سوزواری متوسط سیاست سازش خود را سه عمل در آورد. اما علیه رژیم سیاست ما هست، خمینی در زمان شاه در صف انقلاب قرار

مگر ممکن است مناسبات سرمایه داری (وابسته) شیوه تولید غالب برجایماند باشد و آنگاه اقتضای متفاوت سوزواری با شرایط متفاوتی و تحت قانونمندیهای متفاوتی تولید و بازنشانی نماید. اگرچه سرمایه داری ایران وابسته است، این بدان معنی است که کلیت طبقه سوزواری ایران وابسته محسوب میگردد.

داشت. لیکن به موازات رشد انقلاب و تعمیق رادیکالیسم جنبش توده ها و نیز برآمدن جنبش طبقه کارگر (که اعتقاد با رگران نفت سمبل آن بود)، تزلزلات و گراشات فضا انقلابی - خرده - سوزواری مرفه سنتی به نما بندگی خمینی فزونی یافت و بالاخره در مقطع قیام با تلاش جهت حفظ ماشین دولتی، با تشکیل دولت بازرگان و سازش با امریالسم مرفه انقلابی می پیوندد.

علاوه بر خلاف سوزواری متوسط در قیل از قیام که دارای مشی و برنا موشکیلات خاص خود بود، خمینی به لحاظ همان ماهیت طبقه اتی منزلیل و بینا بینی خود فاقد مشی و برنامهای منسجم بوده و از تشکیلات قابل اتکائی برخوردار نبود. خمینی مبارزه خود را بدون تکیه بر تشکیلات و سازماندهی و بدون برنامهمعین و بطریقی خود بخودی و دنباله روانه به پیش میرد حال آنکه واقعا کدام سوزواری را میتوان یافت که دارای چنین خصایصی باشد؟ رفقای نظر

گاه سوم، گذشته خرده سوزواری مرفه سنتی را در نظر نگرفته، سروسحول آن را از مدنظر انداخته و آنرا از ابتدا تا امروز بعنوان سوزواری سازشکار رسوا کرده اند. ماهیت خرده سوزواری خمینی نه تنها در مواضع سیاسی و نحوه عملکردهای وی و آرمانهای اتوبیستی خرده سوزواری اش (نه شرقی، نه غربی، بان اسلامیسیم و...) منعکس میگشت، بلکه بعد از قدرت رسیدن نیز در اقدامهای خطی و فقدان برنامهمعین و دوراندیشی که وی را وادار به سیردن قدرت بدست سوزواری لیبرال و دنباله - روی از آن نمود، منعکس میگردد و امروز که حزب جمهوری اسلامی بعنوان حزبی سوزواری دارای سازماندهی، مشی و برنامهمعین خاص خویش

است، خمینی قدرت را بداندان سپرده و خود دنباله روانان و صحه گذار برنامهمهای آنندان گشته است. آیا این واقعیتی نیست که خمینی منتظری و شرکاء فاقد هرگونه بینش سوزواری و مشی و برنامهم بوده و آنان نیستند که سیاست سوزواری حزب را تعیین نموده، بلکه بالعکس این حزب جمهوری و سرمداران آنها، بهشتیها و رفسنجانیها، و خامنه ایها، آیتها هستند که سیاست خمینی را تعیین نموده و وی را به دنباله - روی و قبول سیاستهای خویش وادار میکنند.

ما تکیه میکنیم دیدگاه سوم رفقای وحدت انقلابی که خمینی را نماینده جناح سوزواری سوداگرایزایی می نمایم، اما سوا بر خوردی راستروانه نسبت به خرده سوزواری مرفه سنتی است. دیدی که او را از فعل و انفعالات مبارزه طبقاتی و قدرت سیاسی حاکم خارج نموده و در حقیقت آنرا جزو صف انقلاب میدانند.

* * * * *

بدرش مبارزه ایدئولوژیک علنی، وجود شواذب فکری انحلال طلبانه، درکهای التقاطی و وجود شواذب فکری نظام وابسته و سرخورد را استروانه و التقاطی نسبت به سوزواری "کوچک" و "غیر وابسته" و برخورد راستروانه نسبت به خرده سوزواری مرفه سنتی که عملا بنظر میرسد جزو صف انقلاب بشمار میاید، گوشه ها شکی از انحرافات است که رفقای دیدگاه سوم همچنان خط مشی و مواضع خویش بنسوزواری، انحرافات غیر سرولتری را از مواضع خود زود کرده و در جهت وحدت به حول خط مشی و برنامهمعین بنسوزواری ما ادا میخورند خود را موکول به طرح نظرات بعدی رفقای دیدگاه سوم نموده و از مسازره ایدئولوژیک آنان بحول آنچه که براساس نظرات خود عنوان نموده ایم، استقبال مینماییم.

کارشناسان ایتالیائی در خدمت جمهوری اسلامی

رژیم حذقلتی جمهوری اسلامی علاوه بر خرید اسلحه و قطعات بادی از امریالستها، کارشناسان آنان را نیز به خدمت اهداف ارتعاعی خود میگرد. طبق احراز موسی حیدی سس در فرودگاه ارومیه، مهندسین و کارشناسان اسالائی موسی زطفان هلیکوپتر "سنوک" را آغا ز کرده و اس هلیکوپتر اکون برای سرواز اما ده است اسن و امسینا نشان میدهد که رژیم جمهوری اسلامی به همان راهی میروند که رژیم شاه خاشن.

نصفه در صفحه ۲۷

مستشاران آلمان شرقی بجای مستشاران آمریکائی!

رژیم جمهوری اسلامی، برای حفظ و تحکیم سرمایه داری وابسته اقدام به استخردام مستشاران خارجی با حقوق های کلان نموده و مینماید. رژیم های ارتجاعی برای حفظ حاکمیت خود نمیتوانند بی نیوازا وابستگی به کشورهای امپریالیستی و سرمایه داری باشند طبق قرارداد های که بین رژیم جمهوری اسلامی و بورژوازی ویزیونیست های حاکم بر آلمانیستان دموکراتیک (شرقی) در سال گذشته به امضاء رسیده، رژیم برای برآوردن اذیتن صنایع تسلیحاتی اقدام به استخردام مستشاران آلمان شرقی نموده است. جمهوری اسلامی تقبل کرده است که علاوه بر حقوق ماهیانه، مخارج خانوار هزینه سفر مستشاران و خانواده شان و نیز اثاثیه آنها را بپردازد. مستشاران ویزیونیست اجازه خواهند داشت که مواد غذایی مصرفی شان را بدون پرداخت عوارض گمرکی از خارج وارد نمایند (این مدعیان دروغین سوسیالیسمی - ترسند غذاهای ایرانی به مزاجشان سازگار نباشد!) حقوق ماهیانه این متخصصین برای سه مهندسین ۵۹۰۰ فرانک سوئیس (معادل ۳۰۰۰۰ تومان) برای مهندس ارشد ۵۶۰۰ فرانک سوئیس و برای تکنیسین ۴۹۰۰ فرانک سوئیس (معادل ۲۵۰۰۰ تومان) در تهران، کیلان و مازندران خواهد بود و برای استانهای دیگر ۲۰ یا ۳۵ درصد افزایش (بدی آب و هوا!) دریافت خواهند کرد این حقوقهای کلان بخش کوچکی از بهیای گزافی است که رژیم جمهوری اسلامی در قبالت تحکیم سرمایه داری وابسته از دسترنج زحمتکشان ما میبردازد.

امضای این قرارداد علاوه بر افشای رژیم جمهوری اسلامی، چهره واقعی بورژوازی ویزیونیست - های مرتجع آلمان شرقی را که دم از "کمک - های بی چشما داشت" به کشورهای "انقلابی" میزنند نیز برای توده های زحمتکش خلقهای ایران بهتر معرفی میکند و نشان میدهد که چگونه رویزیونیست های خائن آلمان شرقی بسا دریافت حقوق های کلان برای برآوردن اذیتن ارگانهای سرکوب و ماشین تسلیحاتی رژیم جمهوری اسلامی و بر علیه توده های زحمتکش پا - جای پای مستشاران کشورهای امپریالیستی غربی میگذارند. این مدعیان دروغین سوسیالیسم با دریافت حقوقی معادل حقوق کارشناسان چپا و لگر غربی دشمنی خود را بسا زحمتکشان میهن ما بنما پیش میگذارند.

این قرارداد چهره فریبکارانه روسیونیست - های خائن حزب توده و "اکثریت" این شناگوبیان سوسیال امپریالیسم روس که شب و روز از کمک های کشورهای "برادر" یاد کرده و امضای قرارداد با سوسیال امپریالیسم و کشور - های بورژوازی ویزیونیستی اروپای شرقی نظیر آلمان - شرقی را دلیلی بر "استقلال" اقتصادی و حرکیت در آن جهت میدادند پیش افشا میکند. این قرارداد نشان میدهد که خائنین حاکم بر این کشورها در دشمنی با خلقهای تحت ستم و در جپاول دسترنج زحمتکشان کشورهای جپون ایران دست کمی از امپریالیستهای غربی ندارند.



باز هم خرید اسلحه از آمریکا

هر دو جناح ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی بخصوص سنی صدر در بیوی و کرنا و ژوزی سامهاسان ادعا میکنند که جنگ ارتجاعی را بدون خرید اسلحه و ما قوه ایستار ارتش و اسلحاران مدخلی به سس میبرند. اما اسناد و جبرهائی که تا بحال در شماره های پیکار روخبر ما به جنگ آمده سان میدهد که رژیم برای خرید اسلحه، دست سبوی تمام امپریالیستهای دراز مسکود در آن میان "آمریکا" بزرگترین فروشنده اسلحه به ایران مساند.

طبق اخبار موقق اخراست های ۳۱ "المرق" سوسله سه هوا پیمای غول بگربا رسی سی - ۱۳۰ (۱۳۰ - C) از آمریکا به ایران حمل شده است. این خبر موقق نکار رد گر چهره فریبکارانه رژیم جمهوری اسلامی و همه رهبران آن سنی صدر تابستی و آنت الله خصنی را افشا کرده و نشان میدهد که رژیم حاکم بدون کمک امپریالیستها نمیتواند به حیات خود ادامه دهد. این خبر موقق نشان میدهد که شعراهای رژیم حاکم علیه امپریالیسم آمریکا بوج و تو خالی است و این رژیم متحد امپریالیسم و دشمن انقلاب خلقهای ایران است.



خرید اسلحه از فرانسه هلند و آلمان غربی

رژیم جمهوری اسلامی از آغاز حاکمیت ارتجاعی - اش ادعا کرده است که نه تنها اقدام به خرید تسلیحات از خارج و سوزة غرب نگردیده است بلکه با "کارشکنی" های کشورهای عربی سوزة س از "اسهال سفارت آمریکا" مواجده است. بارها ارا نه اسناد و سواد کفافی دروغ سبودن ادعای رژیم را افشا کرده ایم. از جمله خرید - های تسلیحاتی رژیم از کشورهای امپریالیستی غربی، خرید تجهیزات هوا سسما برای "هواشروز" مساند که در ماه مارس ۱۹۸۰ (اسفند ۵۸) فروردیس ۵۹) و در سب همزمان با "تحریم امتصادی" ادعائی رژیم صورت گرفته است.

ارتش جمهوری اسلامی در آن تاریخ قطعات هوا سسما را از شرکت فرانسوی (فالکن) و کارخانه فوکر (هلند) بر قطعات هوا سسما های "توربو - کماندر" را از آلمان غربی خریداری کرده است (به مبلغ سس از ۱۰ سلسون فرانک فرانسه) این خریدها نشان "موقق" بوده که فرماندهان ارتجاعی ارتش اقدام به ایجاد مراکز خرید در فرانسه، انگلستان نموده اند. بهستی و بی صدر خاش و دیگر سرمداران جمهوری اسلامی شب و روز دم از "تحریم امتصادی"

خدمت رژیم جمهوری اسلامی به آمریکا

گرانه ما امپریالیسم آمریکا برداشت (وطبعی) هم بود که برای حفظ و تحکیم سرمایه داری وابسته بردارد) صحنی از این قرارداد هم بمبمان نبوده و فقط به مطالعه در مورد این سروزه فناءت کرده است. اگر رژیم شاه در ادامه سیاست ارتجاعی و حاکمیتش نه اس میلیاردها تومان از دسترنج زحمتکشان را به دامان امپریالیسم آمریکا میرسخت، رژیم جمهوری اسلامی در طول حاکمیت دوسالاس با سکوت در مورد آن قراردادها و تلابر در جهت اجرای آنها در تحکیم سرمایه داری واسه کوشیده و در شرایطی که زحمتکشان میهن ما در سخت ترین سرائط با فقر و فلاکت دست نکرسانند ما حتمی سونی از میلیاردها دلار سربده های ایران در آمریکا در جهت خدمت سسر به امپریالیسم آمریکا قدم سبر میدارد.



رژیم وابسته شاه، در جهت دفاع از منافع اربانان امپریالیستش در منطقه، سالانه میلیاردها دلار از دسترنج زحمتکشان ایران را به خرید تسلیحات اختصاص میداد و جمله قرار - دادهای غارتگرانه ای که رژیم شاه برای خرید اسلحه با امپریالیسم آمریکا امضا کرده سبود، قرارداد دیست که برای خرید موتکیهای هوا سسمن وزمین به زمین با کمبانی هوزامضا شده است این قرارداد که مبلغ اولیه آن ۲۴۴/۷۹۰/۰۰۰ دلار (معادل ۲۴۸/۳۲۰/۰۰۰ تومان) و (السنه بدون محاسبه هزینه های ساختمانی و اضافی بعدی است) سبوده و جمعا ۱۷۰/۵۶۹/۱۰۰ سلسون دلار به صندوق شرکت مزبور وارز شده است. قیل از سقوط رژیم شاه توسط آن رژیم لغوشده است ولی بولهای ایران همچنان در صندوق شرکت مزبور باقی است. رژیم جمهوری اسلامی که کوچکترین قدمی در افشای قراردادهای غارت -

شبهه در صفحه ۱۴ روزنویسنهها...

سوء استفاده از احسانات عبت مانده بوده... برای حمیت آنهاست... اگر هوشی... کمونیستی و سیاسی... و روده معابد بودنی کفین ها را از بارها دریاورد... و در اعتقاد با مردم احترام بگذارد... و لنگی... هیچگاه از آنها بخواست که خود معبود و بجا بند... درست کنند! این موضوع بخصوصی وقتی اجتناب... و زده می باشد که در نظر کمونیست مردم امروزه... در حد بی معنای یک وسیله عمد و اساسی برای نیست... بنیادهای بورژوازی استفاده میکند، وطنها در... استوار و با وظیفه در انبساط احساس اسلامی... کارخانه ها اسکال سما رجا عبت فقط به مفهوم... حمیت بوده ها، بلکه محبت به مفهوم نیست... تا به های رژیم بورژوازی است... "اکترب" از هواداران خود مسخو امد که تا... ساه با ساداران... مسخ مستمعین و دیگر... بنیادهای ارتجاعی رژیم همکاری کند و در آنها... سرک نماید، طبیعتی است که اس کار فقط در... خدمت نیست ارتجاع میساید و مسخه اس... عمل هواداران اکترب نیست در رژیم عوامیل... آن حاکمان را و خود مکرارا بدینا کرد و در هر... محل (در ریدان، کارخانه، دانشگاه، دکه فروش... سرود... صورت عوامیل حاسوس رژیم در... خواهد آمد.

البته "اکترب" فقط به بوده ها درس خاک... ساری نیست در رژیم امده، بلکه در صمی ار... رژیم هم محضرا سفا داسی خاطر با سکر نیاسی... دارد. چرا که اس با سی کر نیاسی عبت ر میسند... بوده ها سده و روحه انقلابی و اخلاقی آرا ده را در... بوده ها با لایمیرد.

آریا حاکم "اکترب" از لحاظ سیاسی است و... لوریک و اسنه به سورژوازی امیرنا لسنی روسه... میساید، طبیعتی است که اسن خطب در روحیات و... خلق و حوی او اوجسین تر هک امیریا لسنی... و سارا تا سدا مع سورژوازی روسه) و هم... حسن بلاس او برای سمد دادن هسات حاکمه به... سوی واستکی سسر به سوسال امیریا لسنم... سزمویرا سده، هم حاکماری یک نوکر در مقابل... آریا و هم سوسی آریا به سدر فتن سمدونند... آریا بدگر، اس اس آن روحیاسی که اسسک... مساسات میان گروه "اکترب" را با هسات... حاکمه معس میسارد.

۳- در برخورد به نیروهای کمونیستی و انقلابی... اکترب آریا م سوده های ممکنه برای ضربه... ردن به نیروهای انقلابی و کمونیست استفاده... میکند و در اس راه منبده هج گونه قید و بند... مکر مفاع سورژوازی نیست، برخی از اسسن... سوده ها را میسوان حسن نام برد:

۱- حقل در و ع در باره نیروهای انقلابی و کمونیست... هر رستی در حرسه روز مره خود از عنا صر... اکتربنی حسن تا سعه سراسکی هائی را بسیار... شنیده اس، همه بناده اید که حگوه در زمان رژیم... ساه ساواک برای سدا م کردن نیروهای انقلابی به

آنها بهمتی بندوباری حی و اخلاقی را... سب میداد. امروزه اس خطبات از جاسب... عناصر اکتربنی سسا رشنده میگرد.

۲- چرا که ری در کار سبروهای کمونیست و... انقلابی.

لودادن عناصر را در کار خا به و مدرست... در کوجه و محله، ساک کردن سمارهای انقلابی ار... روی سوارها، ساره کردن اغلامده ها و سوسرهای

● اگر هوشی مین از کمونیستهای ویتنامی میخواست که در موقع ورود به معابد بود اتم کفشها را از پا در بیاورند و به اعتقادات مردم احترام بگذارند، ولی هیچ گاه از آنها نمیخواست که خود معبد و پستخانه درست کنند! این موضوع بخصوص وقتی اهمیت ویژه مییابد که در نظر بگیریم رژیم امروزه از مذب بعنوان یک وسیله عمد و اساسی برای تشبیه نهاد های بورژوازی استفاده میکند، و طبیعتا این در صورت با وظیفه شدن در ایجاد انجمن اسلامی کارخانه با تشکیل نماز جماعت نه فقط به مفهوم تحمیل توده ها بلکه همچنین به مفهوم تثبیت پایه های رژیم بورژوازی است.

نیروهای انقلابی و کمونیست، سرک در دسته... های فلابر برای سرهم ردن سظ هرات انقلابیون... تحت شعارهای "حرب فقط حرب الله" میسوند... آن در سظا هرات ۲۲ دی در سهران (انحلال هرگونه... کا نون دموکراسی (میل کا سون مسفل معلمان)... و حلو گیری از سدا س کوه کا سونیا... آنها... بنوه هائی اس که مدنیا سب اکتربنی از آنها... استفاده میکند، بنوه های وضع اسکونه... چرا که ریا را میسوان در همکاری مسعم... عناصر اکتربنی تا عناصر کمینه حی خورستان... برای سنا سائی و دستگیری سبروهای مسارزو... انقلابی دد، یکی آریا س عا مردما س... کمینه مدتها در سبرک سده و دسال قبا ف هائی... آسانی انقلابی مسکس اس.

در اینجا بدین سب که به همکاری معنفا سبه... اکتربنی ها و حرب بوده های در حراس سخر... خونی احسن کار میسدان مسلمان تا عا صر... فالانرا ساره کمیم، روزا نه میا هدر ساره ۱۵۳... در اسن ساره جس مسوسد، جواهری به سسک... اکتربنی کفین وای سوسا، سزم مسکس سده! در... لحظاتی که ما سبرک سار کوله هس م و س... مدهم، اس جس ما را مسکوسد! سارد سگری... به یک بوده ای کفین سح ارتجاع تا لسنرال... سرحای خود، ولی ساسیرا سب همچان سه... محرو خواسی آریا در حده دوم خود حرب حمیوری... و حما فدا اس سدر اربد. (ص ۱۵)

۳- رحبه در سار ما سبهای انقلابی و کمونیستی... همه رعا ساد ا ر سده سوه رحبه لسنی در... سار زمانهای کمونیستی یکی از سوه های سرسده ای... است که حزب نوده مدنیا اس از آن استفاده... میکند، یکی از سوه های روس آن در او احس... زمستان سال سس تا کفین یکی از عا صر سوده ای... در سسکا مده اسکده بلنی یکسک سهران روس سده... که توسط رفقای فدائی برای مدسی اعلام ولی... توسط رهبری منحرف سار ما س جلوی سلسع آن... گرفته شد. اکنون همس روس را اکتربنی هادر... مورد دیگر سار ما سبهای انقلابی سکا ر میسرنسند... از جمله: اخبار در امعیا ن یکی از عناصر اکتربنی

توانسته بود خود را برای مدتی صورت هوادار... از زمان دانشویان و دانش آموزان سکا رجا... سرنده که خوشگنا نه کف و اخراج شد.

همه استکوبه سخورده ها سنا سده که گروه... اکترب سمدیل به یک دار و دسته خراک سارو

و حاسون شده که طبعنا سده در حکونکی مئاسیات... سبروهای انقلابی و کمونیست نسبت به آن تا س... نکدا ر د اس کامی نسبت که اکترب را بعنوان

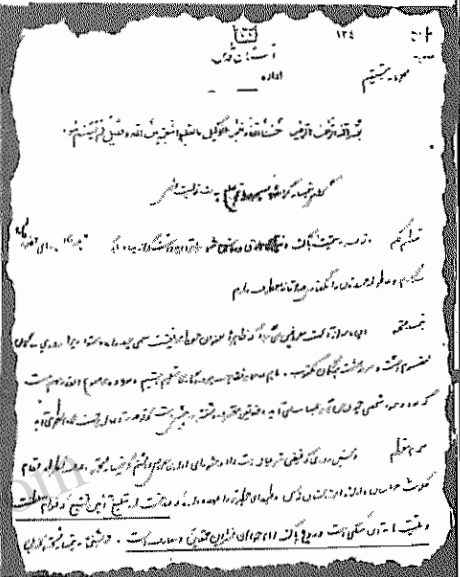
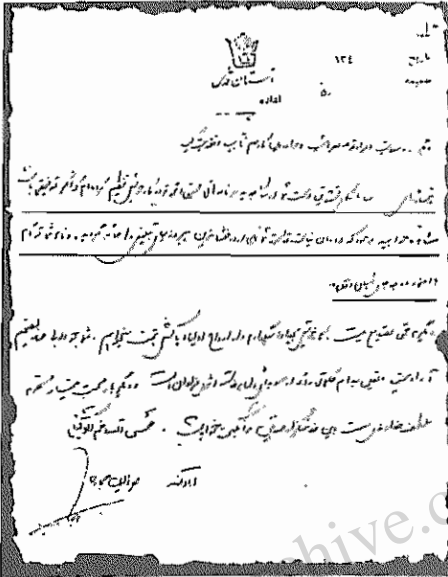
یک نیروی فدا انقلابی که منی و برنا مه آن مخالف... انقلاب و در صدمت با طبقه کارگر و توده های... رحمکی ایران میساید و اس کیم، بلکه در... عن حال لازم اس که اس دار و دسته را بعنوان... یک دار و دسته خراک سارو حاسون سنا سسم که برای... چرا که ری در حسن انقلابی و کمونیستی و... همکاری با ارتجاع ارتجاعی اخلاقی... سورژوازی نیروی مسکند و از سروهج نیروی... انقلابی سنا سده با آنها هج کوه ساس سنگلانی... با همکاری در هر سطحی داسه ساسده، عده های از... نیروهای انقلابی میسندا رنده سمنوان... اکتربنیها و توده ها سبارک نونهای دمکرا سسک... همکاری کرد تحت این بنیا نه که کمونیستها حتی... در ارتجاعی ترین سار ما سبها هم سرتک میسکنند و... برای جلب و جذب پا به توده ای اکتربنیها ساید... با آنها در اس سطح همکاری کرد. ما در عن حال... که سخورده تا کتسکی را در مواردی جا بز میسمارم... و سنا خا از اس موارده را به خود سراط ماکول... مسکسم ولی در مورد سراط قبول همکاری تا اکتربنی... ها در کا سونهای دموکراسی "ذکر یک نکته را لازم... مده اس: یک کمونیست حتی در ارتجاعی ترین... محام بوده ای هم سرتک میسکنند چون میخواهد... از اسن محام برای نزدیک شدن به توده ها و... استفاده از سروس علنی استفاده سنا سده ولی... استفاده را سب گونه تا کتسک ها مختص سراطی... اس که اعتلاقی انقلابی وجود نداشته و استفاده... از حرجی ترین امکانات علنی برای مخا طسب... سار ر د اس توده ها ضرورت داشته باشد، ولی در... سراطی که توده ها خود بصورت میساونی در مسدان... ساسب هسند و اعتلاقی انقلابی در حامه وجود اید... به هج عنوان سنا سدها جس سس مسکسکی وارد... احاده ها و کا سونهای ارتجاعی و روز نویستی... سده، اکتربنی دار سده که خط حاکمه سربک کا سون... که اکتربنی سار هرمونی دار سده که خط فدا انقلابی... اس سنا سده از آن خارج سوسد و با طرد و افشا آن... کا بون دیگری به وجود اید، توده هسا دارای... روحانات انقلابی سوده و در اسن سراط به سرعت

فخرالدین حجازی :

"عصاره انقلاب" یا چاپلوس
درگاه نوکران شاه؟!

چپ‌اداها انقلاب آنان درآمده است از پیش‌بای
انقلاب دمکراتیک - خدا میرا لستی خلقهای
اسرا بردارت.

سندرو بیروصفا تی است از نامه حجازی
به سماربا تا نقلج . سپیدنا دریا تا نقلج
که در آدرماه ۵۹ محاکمه و به حسن اند محکوم شد
در زمان کودنای امرکائی ۲۸ مرداد ۳۲ رثیسی
سا دارس بود و در طراحی کودتا دست داشت .
سموربخسارخان که س از کودتا فرماندها ر
بظا می بهرا ن بود زیر نظر او کار میگرد تا تا نقلج
در "دادگاه انقلاب اسلامی" از روابط نزدیک خود
با آیت الله کاتانی فراوان سخن گفت و همیسی
امگردکنرا را عمل نمودن خاص زیاد می -
حجاری ، اردلانلی بود که وی اعدام نشد . با تعاقب
که یکی از زمینداران و سرما به داران بزرگ رژیم
سا هودا ر طرف نامه نه سات تولیت "آستان قدس"
وا ستاندارای خراسا ن منصوب شد و اسن مؤ سسه بر
در آمدوا سته به دربار پهلوی را اداره میکرد .
صدها هزار دهقان و رجمکن خراسا ن که در زمناها
واملاک متعلق به آستان قدس عرف میبرختند و
استسما ر میشدند و آقای حجاری خطیب و مبلغ همین
دستگاه هودوا مرور هم خطیب و مبلغ رژیم جمهوری
اسلامی اسب . آ تا آقای حجازی با جنبین سواسق
و مومعب احتماعی فعلی خود "حق" نداد ر دسمن
خوسی کموسیستیا و افلاسیونیی یا شده طرف نسا ر
رحمتکسا ن و خلقهای محروم ایران هستند؟



ما هب حاشا نه اسن حاسا ن سرما به دارای
واس دشمنان سم خورده طبقه کارگر در کلمه سه
کلمه از حرفها شان سدا است به نامه توجه کنید :
۱- حجازی با عبارات تعظیم لکم ، مخدوم
معظم ، حضرت اجل ، شمساکرگامی ، حضرت اشرف ،
جناب اجل وغیره اوج کرنش و حالوسوی و در سوگی
خود را نشان میدهد .
۲- او از "نت صدق" و "سحت (خوی و سرشت)
ناک" تا تا نقلج صحت میکند و در آراش چهره
خلادانی مثل اوزبان بردازی می نماید .
حجاری اکنون همان زبان برداری را در ساره
رژیم جمهوری اسلامی سکار میبرد و سه عنوان یکی
ارخصسهای سرچسته اسن رژیم در میا ند .
۳- حجازی مزورانه ادعا میکند که "روزی
سندگان مقسوم است و سرنوست همگان مکتوب" او
همان دروغهای را که به خورد رحمتکسا ن سدا ده
نا "برمخا ثب صرکنشد" سی آنکه خود با وردا شه
نا سدکرار می نماید ، او با در سوگی خود در بیگاه
نا نما تلح سی اعتبار بودن آن حرفها را
نا سات میکند .
۴- وکیل اول نهرا ن در اسن نامه مزورانه
ادعا میکند که "نودوسود سحی حون من هرگر
به حساب شما ند" در آن سالها "نوسندن نرسنت
سهادت" را نامعمول بود و الا آقای حجاری هم
مثل دیگر پهلوان سسه ها ار "سهادت" سخن می -
گفت . یعنی در واقع حرفس را او مزود و عملس را
دیگران انجام میدادند . مثل حالا که توده های

صفحه آخر سنده
سا مه هرصد (مورچه ۲۷/۱۰/۱۳۴۱) مردم را به
دادن رای "آری" به فرزند شاه در ۶ سپهس ۱۳۴۱
فرا خواند .
- حجاری در سال ۵۱ شیردینگاه ساواک اظهار
ندا ست بود و سرسرفسینا بلا مانع اعلام کردسد .
- حجاری اردسمنان و فح و سرسخت کموسیست
- ها و ارحامان و سلندکوهای سرما به داران اسب
و فحای های او غله بیروهای انقلابی و کمونسث
و سارمان ما ارحمس موقع سدکارگری و سد
انقلابی او ما به سکرد .
هغه کده سه حجازی در اسن یکی از هیئتها تی
که در ظا هر برای مبلغ سا مطلاع انقلاب اسلامی
و در واقع برای تحکیم هر چه ستر موضع سسرت
جمهوری اسلامی در ساسات خارجی به خارج کسور
رفتیده اسب لبا ر صب .
سدی که اخرا ن دست ما رسده جیره و اجسی
اسن "عصاره انقلاب" واسن نما سده اول مجلس
سورای اسلامی را به سر برای کارگران و رجمت -
کسا ن ما روسی میکند . جیره نوظلمون معنی که
در گذشته سملی سوکران شاه اسمال سسسا ر
نا تا نقلج را منکف و امروز به نطق آسبالله
خمنی مسعول اسب . رحمتکسا ن ما که ما را ملکی
انقلاب را ندوس کسید و در سسره ا نه نوظلمسا ز س
لیبرالیا و آسب اللدخمنی نا امیرا لاسسم
آنا ن را از بیایان رسا بدن انقلاب نازدا سثت
با بد هر چه بیشتر این راهزنان و فرسکا ران صد
استلامی را سنا سدا و اسن رژیم را که صورت مانعی

صفحه اسد
فخرالدین حجازی ، کاندیدای حزب جمهوری
اسلامی در انتخابات مجلس ، وکیل اول نهرا ن در
مجلس شورای اسلامی و یکی ارمیلین برچسبه
با مطلاع انقلاب اسلامی و رژیم جمهوری اسلامی را
همه میشنا سیم . آسب اللدخمنی ، حجاری و امال
او را که نما بنده مجلس هسند "عصاره انقلاب" نا -
میده است و حجازی هم را سکه برای اولس سسار
نما بندگان مجلس سبر دسمنی رسندا ر طرف آنا ن
خطاب به آسب اللد ، حاسن سملی و حالوسوی ای کرد
که سوی متعفن آن حسی سام آسب اللد را کوسا
آزرد ، ما در همان موقع ، سملی و حالوسوی حجازی
و ما هیت ارتجاعی و گندیده او ورژیمی که ارامال
او تشکیل میشود را در سکا ر ۵۹ اسما سودسم .
قبل از آن سبزیسکا م اسخا ناب مجلس ،
سواسق با مطلاع "مبارزای" آقای حجاری را سب -
ملا سا ختم و در سکا ر ۴۷ (۲۷ اسفند ۵۸) منحلسه
گفتسم :
- حجاری خطب رسمی آسا ن قدس و خدمت -
کدا ر "نا حسرو مواحب" رژیم پهلوی بود .
- سنا زینوسن "غلظ کردم نامه" در سال ۳۲ و تسری
حس از علامه به ممدی در روزنا مد خراسا ن سکار
بردا حب .
- حجاری در خدمت محمدا دق شهرا نیا ن مدرس
آن روزنا مه که یکی از سرسردگان رژیم شاه بود ،
معالات متعددی در تمحدو و تعریف از رژیم شاه
نوسب .
- حجازی طی مقاله ای سرآب و تا ب در روز -

رحمکنی و سید محمد آقا را در حین سخنرانی
با گندیدن وجود و ... شهیدان را در ...
شهر سوخته می بینیم ...
بیلوان! ارتش پروردگار را در ...
سپهری بنام گارانی ...
و آجپاوری از حاد ...
۱۰- حجازی، سرور ...
نوام بلیطت ...
مصطفی بناد ...
محیطهای روم ...
۱۱- حجازی اظهار ...
ما با آسوی ...
حقیقت و حاسوی ...
امریالیسی ...
۱۲- این ...
ساله ای در ...
گرمی از طرف ...
که آدمها در ...
مانند کنی ...
سخر آدم به کوب ...
کوهک ...
۱۳- حجازی، این ...
را "حاکم عادل ...
اسیر" ...
حاکمان جدید ...
بر این قری ...
را از همان ...
۱۴- ...
مورد از ...
کمیونسم ...
حاضران ...
سوی ...
همداسان ...
و آسایوسی ...
گندد امیری ...
در درگاه ...
۱۵- حجازی ...
"واسکان" ...
به سراز ...
"واسکان" ...
کوناگون ...
میلوسیا ...
ساز کردن ...
و انواع ...
نماینده ...
سلیطت ...
حالی است ...
۱۶- ...
اسلامی ...
منگودوا ...

۱۱- ...
۱۲- ...
۱۳- ...
۱۴- ...
۱۵- ...
۱۶- ...
۱۷- ...
۱۸- ...
۱۹- ...
۲۰- ...
۲۱- ...
۲۲- ...
۲۳- ...
۲۴- ...
۲۵- ...
۲۶- ...
۲۷- ...
۲۸- ...
۲۹- ...
۳۰- ...
۳۱- ...
۳۲- ...
۳۳- ...
۳۴- ...
۳۵- ...
۳۶- ...
۳۷- ...
۳۸- ...
۳۹- ...
۴۰- ...
۴۱- ...
۴۲- ...
۴۳- ...
۴۴- ...
۴۵- ...
۴۶- ...
۴۷- ...
۴۸- ...
۴۹- ...
۵۰- ...
۵۱- ...
۵۲- ...
۵۳- ...
۵۴- ...
۵۵- ...
۵۶- ...
۵۷- ...
۵۸- ...
۵۹- ...
۶۰- ...
۶۱- ...
۶۲- ...
۶۳- ...
۶۴- ...
۶۵- ...
۶۶- ...
۶۷- ...
۶۸- ...
۶۹- ...
۷۰- ...
۷۱- ...
۷۲- ...
۷۳- ...
۷۴- ...
۷۵- ...
۷۶- ...
۷۷- ...
۷۸- ...
۷۹- ...
۸۰- ...
۸۱- ...
۸۲- ...
۸۳- ...
۸۴- ...
۸۵- ...
۸۶- ...
۸۷- ...
۸۸- ...
۸۹- ...
۹۰- ...
۹۱- ...
۹۲- ...
۹۳- ...
۹۴- ...
۹۵- ...
۹۶- ...
۹۷- ...
۹۸- ...
۹۹- ...
۱۰۰- ...

۱- ...
۲- ...
۳- ...
۴- ...
۵- ...
۶- ...
۷- ...
۸- ...
۹- ...
۱۰- ...
۱۱- ...
۱۲- ...
۱۳- ...
۱۴- ...
۱۵- ...
۱۶- ...
۱۷- ...
۱۸- ...
۱۹- ...
۲۰- ...
۲۱- ...
۲۲- ...
۲۳- ...
۲۴- ...
۲۵- ...
۲۶- ...
۲۷- ...
۲۸- ...
۲۹- ...
۳۰- ...
۳۱- ...
۳۲- ...
۳۳- ...
۳۴- ...
۳۵- ...
۳۶- ...
۳۷- ...
۳۸- ...
۳۹- ...
۴۰- ...
۴۱- ...
۴۲- ...
۴۳- ...
۴۴- ...
۴۵- ...
۴۶- ...
۴۷- ...
۴۸- ...
۴۹- ...
۵۰- ...
۵۱- ...
۵۲- ...
۵۳- ...
۵۴- ...
۵۵- ...
۵۶- ...
۵۷- ...
۵۸- ...
۵۹- ...
۶۰- ...
۶۱- ...
۶۲- ...
۶۳- ...
۶۴- ...
۶۵- ...
۶۶- ...
۶۷- ...
۶۸- ...
۶۹- ...
۷۰- ...
۷۱- ...
۷۲- ...
۷۳- ...
۷۴- ...
۷۵- ...
۷۶- ...
۷۷- ...
۷۸- ...
۷۹- ...
۸۰- ...
۸۱- ...
۸۲- ...
۸۳- ...
۸۴- ...
۸۵- ...
۸۶- ...
۸۷- ...
۸۸- ...
۸۹- ...
۹۰- ...
۹۱- ...
۹۲- ...
۹۳- ...
۹۴- ...
۹۵- ...
۹۶- ...
۹۷- ...
۹۸- ...
۹۹- ...
۱۰۰- ...

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



اراده اعلیانی سوده های در مبارزه علیه امپریالیسم و دست ناسدگان داخلی اس بود و کمونیست ها با راهی همسانی های خود را لکرد ایس روز در میان حملات وحسانه مردور ای رسم جمهوری اسلامی، با سلاح مرور رهبری طبعه کار کرد در انقلاب دمکراتیک خلق های ایران ار دستاوردهای فنام سیاسی داسه و در سهای آن را بمان سوده های رحمتکنان سردید. و در عمل بمان دادند که علیه عم سبب نیرو های سرکوبگر ار بجاع و باری جا دنا به روزیونیست های خائن "سوده ای" و "اکریست"ه آنها، همسان درر سرور حمرخ انقلاب به نیس خوا هندیرف .

در تظاهرات ۲۲ بهمن پاسداران ارتجاع سراوان را بخون کشیدند

بندبیل اعلام تظاهرات سراسری جهست بزرگداشت قیام شکوهمند ۲۲ بهمن توسط سا زمان ما، در سراوان نیز همچون اکثر شهر های ایران، بیکا زکران تظا هراتی بهمنی مناسب برگزار نمودند. این تظاهرات با استقبال چشمگیر خلق بلوچ در سراوان روبرو شد با ارتجاع بواسطه وحشت خود از استقبال زحمتکنان از تظا هرات بیکا زکران کمونیست با ددمنشی هر چه تما منر با ماشین سرعت ۱۰۰ کیلومتره صفوق نظا هر کنندگان حمله کرد که منجر به شهادت یکی از رفقای هوا دارا قلب و زخمی شدن سه زن و کودک گردید. این واقعه موجب طغان انقلابی زحمتکنان بلوچ گردید. گونه ای که مردم زحمتکش سراوان با خشم و نفرت انقلابی هر چه شما متر نسبت به رژیم، با حمله به ماشین پاسداران ساختمان روابط عمومی سا ه پاسداران و کتابخانه آنها راه آس کشیدند. تشکلات بلوچستان سازمان مادر همن زمینه علامه ای منتشر کرده که در نرسه نرسه بلوچ شمار ۶۲ درج شده است. آنچه که سخوانندمتن کامل اعلامیه تشکلات بلوچستان سازمان ماست :

پاسداران سرمایه ناردنگره خناسی هولناک دست زدند و سندی دیگر از وحشگر بها و تجا و زات رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را به نمایش گذاشتند. در ۲۲ بهمن ماه ۵۹ دومین سالروز قیام مسلحانه خلق سر علیه ارتجاع و امپریالیسم، انقلابسون و زحمتکنان آکا هی که برای نایودی ستم و استعمار قما کرده بودند، با ردیگر قربا د خشم خو س را بر علیه رژیم جلالد جمهوری اسلامی سردا دند، و سزرگداشت قیام ۲۲ بهمن را با تداوم مبارزه بر علیه ارتجاع و امپریالیسم گرامی داشتند.

در سراوان نیز هوا داران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر ب منظور گرامیداشت این

روز تار بیخی در ساعت ۴ بعد از ظهر ۲۲ بهمن نظا هراتی سرگرا نمودند. تظا هرات آغاز مسود، شعرا های انقلابی که بیا نکرا ساسی ترین خواسته های رحمتکنان بود، توده ها را حدود چلب می سماید. آنها با علاقه به خواندن اعلامیه ها مسردا رند و سطا هر کس دگان را مورد حما یست و سوسی فرار مند همد.

ارتجاع خون کرک رخم خورده خود می پیچید و برای سرکوب تظا هرات بواسطه می چید، صفوق بیکار زکران مهران به انبهای مسیر میرسد که ما سن جیب پاسداران مسلح با سرعتی بیس از ۱۰۰ کیلومتر سزای سرکرفتن را همسان به طرف آنها هجوم ساورد. ما صل از سر خورده صف به ساد ه رو کسده میشود و چند نفر را زیر منکورد، سنگفرس با ده روز خون انقلابسون و زحمتکنان ریکس مسود، یکی از رفقای هوا دار سازمان حریکهای فدائی (اقلیت) در میمان ما سن و ستر چراغ برق له میسود، و سه شهادت میرسد سه زن و کودک سز مجروح میگرددند.

جنایت ددمنشانها ساداران ارتجاع آتش خشم و نفرت زحمتکنانی را که نا هدا جعه بودند شعله ورمسا زد، توده های خشمگین سطرف ما سن حمله میکنند، ۲۰ تن از پاسداران بلافاصله میگریزند و نفر جها رم از زیر پشت و لکه مردم موفق به فرار میشوند. زحمتکنان متاسفانرا پاسداران سطرف ما سن حمله میبرند و با شعرا هائی خون : "مرگ سربا دار، شوگر سربا یسه دار"، "پاسداران قاتل اعدا ما سز گردند" و... آنرا به آتش میکشند، شعرا آنها نجان کوبیده و توده ها آنها ن خشمگن بودند که قدرت هر گونه عکس العملی را از مزدوران سلب میکنند. ما شین در آتش خشم خلق خاکستری میشود و اتومبیل های آتش نشانی که برای خاموش کردن آتش آمده بودند در مقابل مشت های گره کرده مردم محبوبه سا زکشت میشوند زحمتکنان همراه ما سارهای انقلابی سطرف روابط عمومی سا ه پاسداران راه می افتند. در روابط عمومی سا ه پاسداران سزمیکنند و س ختم غیر قابل کنترل آنها را نیز به آتشی میکشند. کتابخانه روابط عمومی نیز طعمه آتش مسود و مردم تنیا قرآن ها را به بیرون منتقل می نمایند.

پاسداران ضد خلقی برای متفرق نمودن راهسما یان وحش زده شروع به تیراندازی می کنند و سب با اعلام حکومت نظا می در سهر آ آغاز میشود.

بدینگونه در دومین سالروز قیام خونین بهمن رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی جنایتی دیگر بر صدها جناست خود میا قزاید.

بدینگونه در دومین سالروز قیام خو سین بهمن خون یکی دیگر از فرزندان زحمتکش خلق درخت تنومندا انقلاب دمکراتیک - فدا مریا لیستی میهنمان را آباری مسازد.

خون شهیدان گلگون کفن خلق وسیعه سروزی زحمتکنان بر ارتجاع و امپریالیسم است و دبیر نیست آن روز که ارتجاع و مسز دوران

جنا بیکار رش در دریا ی خون غرق گردند. کرامی با د خا طره شهیدان بخون خفته خلقی! مرگ سربا مریا لیسم و ارتجاع داخلی! بر صرا ربا دمهوری دمکراتیک خلقی! سا زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر سکیلات بلوچستان - ۱۳۵۹/۱۱/۲۴

بینه از صفحه ۱۰ تظاهرات در "عادل آباد" در این تظاهرات بود، اسن بدران و ما دران که خیرا اعتصاب غذای فرزندان در بندستان را شنیده بودند، از مسدولسنان و لالی به شیراز آمده بودند و با شرکت در این تظاهرات خشم و نفرت خود را به رژیم ارتجاعی نشان دادند.

همکاری نیرو های کمونیست در این تظاهرات بر دتلسنا تی آنها دو چندان کرده بود. علاوه بر نیرو های ذکر شده رفقای وحدت انقلابی هم در تظاهرات بطور بیا اکنده شرکت نمودند.

ما رفقای "راه کارگر" بخاطر تزلزلات شدید رویزیونیستی خود، در با سخ به دعوت نیرو های کمونیست برای شرکت در تظاهرات اعلام کردند که جنس حرکاتی را درست تشخیص نمیدهند! و از شرکت در آنها سیمانی خودداری نمودند.

تظاهرات در حمایت از مبارزات خلق کرد

مشهد
روز ۱۸ بهمن ماه برای بنیستانی از جنسب انقلابی خلق کرد و افشای سرکوب کردستان، توسط ارتس و پاسداران جمهوری اسلامی تظا هراتی در میدان شهدای مشهد از طرف سازمان دانشجویان و دانش آموزان بیکار و رفقای هوا داران سرزمندگان برگزار شد. راهسما یان پس از حرکت بسوی خیابان خبیبی با هجوم وحشیانه اوساغان و مزدوران ارتجاع روبرو شدند. تظا هرات با سخن اعلامه هائی در افشای ماهیت و عملکرد رژیم سرکوب خلق کرد و... با بان یافت

منتشر شد



بقیه از صفحه ۲ سرمقاله

واقعیت اینست که لیبرالها و حزبها هر دو چاق قدرند و این چماق چیزی جز اعمال دیکتاتوری بورژوازی علیه پرولتاریا و توده های تحت ستم نیست. آری از نظر ما کمونیستها لیبرالها و حزبها بخش های مختلف بورژوازی حاکم را تشکیل داده و این بورژوازی دارای دستگاه اعمال ستم خاص خود میباشد. ما شین دولتی و مجموعه قوای سرکوبگر رژیم ایزارا اعمال ستم طبقاتی می - باشند. ما شین دولتی چماق بورژوازی علیه طبقه کارگر و سایر توده ها است. حاکمیت بورژوازی فقط به اتکا دولت، این دستگاه جبر و ستم طبقاتی میسر است. و پرواضح است که تمام بخش های بورژوازی به دولت اتکا دارند. در واقع دولت بورژوازی حافظ سیستم سرمایه - داری حاکم، حافظ حاکمیت بورژوازی و سرکوب کننده کارگران و زحمتکشان است. نگاه های به عملکرد دوسایست حاکم بر ارتش و سایر قوای سرکوبگر بیرونی این حقیقت را عیان میکند که دولت چگونه در خدمت بورژوازی است. این درست است که در شرایط حاضر ارتش به لیبرالها بیشتر تمایل داشته و سپاه پاسداران بیشتر به جانب حزبها متمایل است. اما هیچکس نمی - تواند این حقیقت را نادیده نگارد که کلیت دولت و تمامی ایزارها پیش در خدمت کلیت بورژوازی قرار داشته و برخلاف انقلاب پیوسته بکار گرفته شده است. چه حزبها و چه لیبرالها در تمام مواردی که ارتش و سپاه جنبش توده ها را سرکوب کرده، دست داشته اند و غیر از این نمیتوانسته باشد. چرا که بورژوازی برای سلطه خود و سرکوب انقلاب بنا گزیر به قوای سرکوب رومی آورد.

بنا بر این دولت بورژوازی چماق بورژوازی علیه کارگران و سایر توده ها است. و چماق داران واقعی تمامی بخش های هیات حاکمه میباشد. فقط یک دیدگاه لیبرالی چماق را محدود به قوه چوب و پنجه بوکس و زنجیر میکند. این ایزارها جلوه های بسیار کوچکی از کل چماق طبقه ای یعنی ما شین دولتی میباشد. این حقیقتی است که بکارگیری این ایزار توسط حزبها چه در رابطه با نیروهای کمونیست و انقلابی بطور مستمر و فعال و چه در رابطه با لیبرالها و واقعیت دارد. در حالیکه لیبرالها این ایزارها را به کار نگرفته و همچنان به همان چماق اصلی اتکا دارند و به همین خاطر در نظر توده ها وسیع گمراه کننده تر عمل مینمایند. بنی مدارا ز استبداد حزب حرف می زند تا دیکتاتوری طبقه بورژوازی را بیوشانند و موقعیت خود را در قدرت سیاسی تحکیم بخشد. و مخالف اعمال دیکتاتوری طبقه ای نیست و مخالف اعمال این شیوه ها در برخورد به لیبرالهاست.

آزادی مورد ادعای بنی صدر چیزی جز آزادی استثمات رنوده ها و آزادی کشتار و سرکوب آنها نیست. نگرانی بنی صدر و لیبرالها نه نگرانی سرنوشت توده ها که نگرانی سرنوشت خود و اوج گیری جنبش توده ای است. آنها به

بقیه از صفحه ۲۰ روزیونیستها

قابلیت جذب بسوی آلترناتیوهای انقلابی را دارند. با رویزونیستهای فدائی (اکثریت) باسد ما ندیدیم اندر ا بکاران و جاسوسان سرخورد کرد با اندر ا نکار. انه تنها با سد ز لحاظ سیاسی ایدئولوژیک طرد و افشا کرد، بلکه همچنان با سد از هر لحاظ مراقب رفتارهای زشت اخلاقی و ضد - انقلابی آن بود و از زرخه عناصرا ن در تشکیلات انقلابی و کمونیستی با لورفتن عناصرا ن انقلابی توسط عوامل آن جلوگیری کرد. اکتفا کسردن تنها به افشای مواضع سیاسی ایدئولوژیک اکثریت و پوشاندن سرخورد های ضد انقلابی و خرابکارانه آن، در حکم یک سرخورد دروشن فکرانه و نیز طبقاتی به مساله مبارزه ایدئولوژیک طبقاتی میباشد. ایدئولوژی بورژوازی نه فقط در دیدگاه های سیاسی گروه اکثریت اثر گذارده، بلکه ز لحاظ اخلاقی نیز عناصرا ن را فاسد و تباها ساخته است. کسی که به این جنبه از ایدئولوژی بورژوا - رویزونیستی اکثریت توجه نمیکند، در واقع نمیخواهد با کسند عمسی برولتری علیه بورژوازی مبارزه نماید. جنبش فردی بدون شک قربانی سفیها نه لیبرالی ترین ساستهای "خوشبینانه" بورژوازی خواهد شد.

بقیه از صفحه ۱۸ کارشناس

این رژیم بنابه ما هیت ارتجاعی خود براری با سازی ارتش ضد خلقی احتیاج به امریاب - لیستها دارد، ارتشی که خود را بیش از پیش در حین جنگ با ارتش عراق آماده میسازد تا کارگران و زحمتکشان. میهن ما را سرکوب کند.

عنوان جناح "عاقلمتر" رژیم ز شیوه ها و اقدامات جناح "کودن" احساس نگرانی میکنند و میبینند که این شیوه ها و اقدامات موجبات تضعیف کل رژیم را فراهم میسازد و از همین رو در صدد ستاد جناح حزب را از در پیش گرفتن این شیوه ها و اقدامات بر خرد دارند. و از این طریق به تحکیم موقعیت خود در قدرت سیاسی و حفظ حیات کل سیستم بورژوازی بیردازند.

اما توده های خلق ما هر روز بیدارتر می - شوند و عاقلمتر از آنند که گول عوام فرسی های جناح "عاقلمتر" را بخورند. آنها در طول این دو سال و از بیایی از کارنامه ساه رژیم جمهوری اسلامی تا حد زیادی به ما هب هر دو جناح بی برده و درآبنده نیز بیش از امروز به آن آگاهی خواهند یافت. آنچه بر سر آنها فرود می آید چماق دیکتاتوری بورژوازی و متعلق به هر دو جناح است. چماق از هر نوعی که باشد برای اودرد آور و تکلیت آور است و از همین رو مبارزه خود را نه به نفع حفظ این یا آن چماق دار، بلکه در جهت نابودی هر دو حاکم قدر یعنی لیبرالها و حزبها و در یک کلام بورژوازی و امیریا لیمادامه خواهد دادند. دو یکمدا فریا دبر خواهد آورد:

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها،
زنده بسا دپیکار رنوده ها!

ملاحظات کوتاه

با هم ساخته اند تا پدر مرا در بیاورند!

اینکه بنی حزبها و لیبرالها اختلاف است و کار از حد بدگویی و "ساح و سانه کشدن" گذشته است را همه میدانند. این هم که علت اصلی اختلاف، حکومتی سرکوب نیروهای کمونیستی و انقلابی و ممانعت از پیشرفت انقلاب کارگران و زحمتکشان است نیز با رها از طرف کمونیستها توضیح داده شده است. ملاحظه نویسی وقتی سخن - رانی ملامت بنی صدر در فیهال حزب جمهوری اسلامی در مستینگ صدان آزادی و سعد سخرا نی است - الله خمینی در حاست از بنی صدر را شنید و نرمی حزبی ها را هم در فیهال بنی صدر و حملسه همه تا به کمونیستها و نیروهای انقلابی زاید با ددا ستانی افتاد که میگویند: شخصی را از خوردن خربزه و غسل همراه با هم، منع کردند و گفتند "دل درد" میگیری آنها با هم نمی سازند، اما او نصیحت را نشنید و آن در را با هم خورد. وقتی دجا ردل در د شد و در حالی که به خود میبندید و او گفتند "دیدی ما هم نمی سازند؟" ولی او جواب داد "حالا که هر دو با هم ساخته اند تا پدر مرا در بیاورند!"

مرغهای امریکایی وفداکاری آنها!

سعدی زمانی گفته بود:
ایروبا دومه و خورشید و فلک در کارند
تانباسی تک آری و به غلبت نحوری،
حالا در دوره "مخجزات" رژیم جمهوری، در دوره "خیرات" "هنگ، در عصر" سرورزی های مشعش فد امیریا لیستی رژیم، علاوه بر اربا دومه و خورشید و فلک، مرغهای امریکایی (و خلی چیز - های امریکایی، امیریا لیستی دیگر) هم به "یاری" ما شافته اند و در حه "توانائی" خود، تخم - ها شان را به ما هدیه میکنند مگر نه این است که ما "بهترین امت"، "بستاز"، "امدم - لیل مستعصف جهان" و "تحاب دهمه" آنها هستیم؟
شبه ۲۵ بهمن روزنامه انقلاب اسلامی در صفحه اول تیز زده است که: "از این هفته کمبود مرغ و تخم مرغ بر طرف میشود." و تو تعجب نمکنی که این "ما شده آسمانی" ارکا نا زل میشود؟ آخر خود حضرات که نمی گویند از کجاست؟ چشمهایت را که بمالی و چند روزی (یک هفته) که به عقب بر کردی با زده همین روزنامه انقلاب اسلامی مورخه ۱۸ بهمن بک آگهی رزولی واضح میبینی نگاه کنی:

بقیه در صفحه ۲۸

ویتنام و تزه‌های روزیونیستی "لهدوان" (۱)

حرکت سائریستی حزب زحمتکشان ویتنام در زمان رفیق هوشی مین وعدم مرزبندی گمونیستی توسط این حزب علیه رویزیونیسم خروشقی منجر بدان گردید تا گرایش رویزیونیستی در درون حزب رشد یافته و بالاخره پس از پیروزی انقلاب حزب بدامن رویزیونیسم در غلظت، در حقیقت این جناح ایورتونیستی "لهدوان" بوده که حزب را کاملاً مبهگام از مواضع ما رکیسیم لنینیسم دور ساخته و با کنا رزیدن جناح انقلابی حزب، مشی خود را بر حزب مسلط ساخته و بالاخره پس از پیروزی، حزب را کاملاً در سیطره رویزیونیسم قرار میدهد. حزبی که سالها مبارزات طبقه کارگر و خلق ویتنام را علیه امپریالیسم آمریکا و مرتجعین بومی هدایت کرده و پیروزیهای درخشانی کسب نمود توسط مشی رویزیونیستی خائن به ارتداد کشیده میشود و به بسزای اعمال سیاست بورژواهای نوین تبدیل میگردد. ما در اینجا میگوئیم تا جلوه‌های از این سیاست حاکم را افشا کرده و نشان دهیم که حزب ویتنام امروزه مدافع انقلاب سوسیالیسم و رکیسیم لنینیسم، بلکه مدافع ضد انقلاب، سوسیالیسم امپریالیسم و رویزیونیسم میباشد.

نگاهی کوتاه به گفتار "لهدوان" در باره مسائل بین المللی این حقیقت را آشکار میسازد، گزارش سیاسی لهدوان به کنگره چهارم (دسامبر ۱۹۷۶) نشان میدهد که این حزب تا به کجا در عقب رویزیونیسم فرورفته و چگونه به تخریب و واقعیات جهان کنونی ما پرداخته و چگونه در مبارزه طبقه کارگر پروولتاریا تخریب میکند. ارزیابی لهدوان از عصر کنونی یک ارزیابی سراپا رویزیونیستی است، او میگوید: عصر ما "عصر گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم جهانی" است، "سوسیالیسم از محدوده یک کشور فراتر نهاده به سیستمی جهانی تبدیل گردیده است، سیستم جهانی سوسیالیستی با دستاوردهای همه جانبه خود مجموعاً دارای نیروی بیشتری از امپریالیسم میباشد."

آیا این ارزیابی از جهان کنونی حقیقت دارد؟ بهیچوجه! لنین میگفت: "امپریالیسم استان انقلاب اجتماعی پروولتاریاست این حقیقت از سال ۱۹۱۷ در مقیاس جهانی تا شیده است." (امپریالیسم بمبنا به بالاترین مرحله سرمایه داری) بر اساس تحلیل لنین، امپریالیسم مرحله گنبدگی سرمایه داری است. و به همین لحاظ در عصر امپریالیسم تضادهای طبقه کارگر بسجود میسازد تا کمال پیدا کرده و مبارزه پروولتاریا جهانی به نقطه ای از تکامل خود رسیده که انقلاب سوسیالیستی در دستور کار طبقه کارگر را رگرفته



است. آیا گفته لنین برای شرایط حاضر نیز صادق است؟ پاسخ مثبت است. اگرچه انقلاب کمپرسوسیالیستی اکتبر در ۱۹۱۷ پیروز شد و بیش از ۳۰ سال پرچم سرخ پروولتاریا در شوروی در اهتزاز بود، اما در این کشور رویزیونیسم حاکم گردید و شوروی سوسیالیستی به شوروی سوسیال امپریالیستی تبدیل گردید. اگرچه در کشورهای اروپای شرقی دمکراسی بوده ای برقرار گردید، اما حاکمیت بورژوا - رویزیونیستها این دمکراسی را نادان بود ساخت. اگرچه در چین نزدیک به ربع قرن انقلاب و سوسیالیسم حاکم بود اما رویزیونیستها مرتد، سرمایه داری را احیا نمودند. بنا بر این اگرچه انقلابات سوسیالیستی ضربات مهلکی بر سیستم جهانی امپریالیستی وارد آوردند و منجر به تشکیل اردوگاه بزرگ سوسیالیسم گردیدند، اما با استحاله بورژواشی بخش عمده کشورهای سوسیالیستی و پیوستن آنها به اردوگاه سرمایه جهانی اردوگاه بزرگ سوسیالیسم به شدت تضعیف گردید. و متقابلاً اردوگاه امپریالیسم به شدت تقویت شد و در حال حاضر امپریالیسم جهانی مجموعاً دارای نیروی بیشتر و فاقد درجه کنونی میباشد. به همین لحاظ کماکان عصر کنونی، عصر امپریالیسم و انقلابات پروولتاریا میباشد. این درست است که در شرایط کنونی سرمایه داری، از نقطه نظر تاریخی دوران گذار را زسما به داری به سوسیالیسم است، و این گذار فقط از طریق انقلابات اجتماعی سوسیالیستی میسر میباشد، اما برواضح است که این استنباط با استنباط رویزیونیستی "لهدوان" کاملاً متضاد است. "لهدوان" بر آنست که "سوسیالیسم در حال حاضر یک نیروی مادی بزرگ و غالب در سطح جهانی میباشد و بنا بر این انقلابات پروولتاریا بی برستگی خواهد بود را از دست داده است و برواضح است که از نظر "لهدوان" حداقل انقلاب پروولتاریا در مورد کشورهای رویزیونیستی منتفی است. واقعیت این است که "لهدوان" واقعیت جهان امپریالیستی را تحریف کرده و عملاً در مبارزه پروولتاریا اختلال بوجود میآورد. ماهیت بخشی از دنیا سرمایه را پوشانده و با انمود ساختن این مسئله که گویا امپریالیسم نیروی فائقه در جهان کنونی

بقیه در صفحه ۳۵

دانشجویان فیلیپینی علیه امپریالیسم آمریکای رزمند!

هفته گذشته در اعتراض به سفریابان بل دوم دانشجویان انقلابی فیلیپین دست به تظاهرات گسترده ای زدند و یکبار دیگر کینه انقلابی خود را علیه رژیم مزدور مارکسوس و امپریالیسم به نمایش گذاشتند. در این تظاهرات دانشجویان به مقاومت انقلابی در مقابل مزدوران حکومتی دست زده و بدادن شعارهای وسیعی علیه امپریالیسم آمریکا اقدام نمودند. همانطور که میدانیسم آمریکا در فیلیپین دارای پایگاههای متعددی است و ارتش مارکوس توسط هزاران مستشار آمریکائی تعلیم دیده است. به همین خاطر تظاهرات کنندگان در زامبوانگ خودخواستار بر جسد پایگاههای یا تکیها گردیدند. دانشجویان انقلابی با این تظاهرات گسترده نشان دادند که زان بل دوم کارگزار امپریالیسم جهانی بوده و برای توطئه علیه خلقهای فیلیپین به این کشور فرستاده است. این تظاهرات بزرگترین تظاهرات علیه پارتیست بوده است.

توطئه‌های جدید امپریالیسم آمریکا علیه خلق السالوادور

مبارزات دلوارانه توده‌های ستمدیده السالوادور علیه رژیم آمریکا طی حاکم همچنان به پیش میرود و امپریالیسم جهانی آمریکا علیه رزمندگان فیلیپینی نظامی به رژیم دست نشانده اش نتوانسته است. تظاهرات انقلاب را خاموش سازد. اخیراً آمریکا در پی توطئه‌های جدیدی برآمده تا بلکه بتواند رژیم و وابسته بخود و مدافع امپریالیستی اش را در این کشور حفظ کند. سخنگوی وزارت خارجه ریگان اخیراً مطرح ساخته که در السالوادور "آمریکا املاحاتی در زمینه با تکی و اداری و بخش خصوصی را تشویق خواهد کرد." و بمعنای دیگر امپریالیسم با تکی در پی آن است تا با املاحاتی امپریالیستی و بظاهر لیبرال ما با نه مبارزات توده‌ها را به انحراف کشیده و از انقلاب آنان جلوگیری کند. آمریکا که سقوط رژیم حاکم را حتی می بیند میخواهد تا با برخی فرمهای اقتصادی و ائتلاف طبقه جدیدی در سطح قدرت سیاسی از فریب حکومت موجود مانع بعمل آورد. اما آیا میتوان ستم و استعمار بر حمانه توده‌ها را از طریق فرم امپریالیستی از بین برد؟ هرگز! و به همین خاطر نمیتوان مبارزات را خاموش کرد ولی این



۴۰ ساعت کار در هفته اجرا باید گردد!

شرکت ملی گازها و گازها را اجرا می:
تیش از یک ماه است که کارکنان این شرکت بر علیه قانون ۴۴ ساعت کار در هفته دست مبارزه زده و در این رابطه پنجشنبه ها را تعطیل کرده اند. هیئت رئیسه شرکت ملی گاز و با نسد انجمن اسلامی که از این اقدام مصممانه و متحد کارگران بوحشت افتاده بودند، طی بخشنامه ای از کارکنان دعوت کرد که برای اتحاد شیدجمهوری اسلامی فعلا پنجشنبه ها را سرکارها فرود نهند تا بعد از طریق قانونی به مسئله رسیدگی شود. آنها اینطور ائ نمودند که گویا با خواست کارگران مبنی بر تعطیل پنجشنبه ها موافقت اما کارگران که در تجربه مبارزاتی خود به ماهیت عوامفریبیهای رژیم و نوکرانش پی برده بودند فریب این توطئه فدکا رگری آنها را نخورده و کماکان پنجشنبه ها سرکارها فرود نهند. کارگران تا زمانیکه اتحاد خود را حفظ کرده و پراکندگی طبقه خویشتن بیا فزایند، همواره خواهند توانست توطئه های رنگارنگ سرمایه داران برای استثمار هر چه بیشترشان را با خنثی کنند.

اخبار کوتاه کارگری

کارخانه مقدم (نظرآباد):
کارگران این کارخانه که سال گذشته سه ماه سودویژه دریافت کرده بودند، بعد از تصمیم دولت مبنی بر پرداخت ۲ ماه سودویژه تصمیم به

اعتصاب میگیرند. اما شورای کارخانه بعد از مذاکره با کارفرما اعلام میکنند که «علیرغم مخالفت کارفرما با ایده ما سه ماه سودویژه برای ما یکماه آنرا برای کمک به جنگزدگان به دولت می‌دهیم» و بدین منظور از روز ۱۱/۱۱/۵۹ جلوی خروج تولید را گرفته و در عوض کارگران را به تولید بیشتر دعوت میکنند. این تصمیم سازشکارانه شورا نه تنها موجب خرابی کار کارگران میشود، بلکه جلوی اعتصاب کارگران را میگیرد. بدین ترتیب شورا عملا به نفع کارفرما و دولت فدکا رگری اقدام نموده. در صورتیکه اگر کارگران دست به اقدامی قاطع و انقلابی میزدند میتوانستند کارفرما را وادار به عقب نشینی کنند.

قرقره زیبا:

بعد از دزدی ۲۰ میلیون تومانی مدیر دولتی این کارخانه، کارگران مصممانه خواهان محاکمه شورای فدکا رگری و مدیریت شدند. بدین ترتیب مدیریت جدید کارخانه و شورا تحت فشار کارگران مجبور به تشکیل مجمع عمومی گردیدند آنها سعی کردند که ۲۰ میلیون تومان را بعلت قطع برق و کمکاری کارگران جلوه دهند، اما در مقابل هوشیاری و اتحاد کارگران این حیلشان موثر واقع نشد. کارگران شورای فرمایشی را منحل اعلام کردند و برای ایجاد شورای واقعی خود دست به مبارزه زدند. اما مدیر جدید کمک ایادی خود دست به تشکیل شورای کارفرمایی دیگری میزد که با مقاومت کارگران مواجه میگردد یعنی نمونه روز ۸ بهمن کارگران با اعتراض دستجمعی خود نسبت به بسته شدن بناها رخوری و وضع بد شرکت تعاونی اراده خود را در مخالفت با «شورای» جدید و خواست تشکیل شورای واقعی شان را به نمایش گذاشتند.

بقیه از صفحه ۳ از شروع...
عواقب زیبا نیای جنگ را مشاهده میکردند. آنها میدیدند که با جنگ بردوش کارگران و زحمتکشان فشا ر می‌آورد، در حالیکه در زندگی سرمایه داران کوچکترین تغییری حاصل نشده و حتی به آنها نه جنگ تلاش میکنند تا کارگران را بیشتر استثمار کرده و جیبهای خود را پرترینا بکنند. فقر، بگرا نی، بیماری و آوارگی و با لایحه کشته و مخرج شدن در جنگ از آن کارگران و زحمتکشان است. در حالیکه سرمایه داران نه تنها از این عوارض جنگ مضمون هستند، بلکه با توسل به احتکار، افزایش شدت تولید و... همچنان به غارتگری و استثمار خود ادامه میدهند. بدین ترتیب ماهیت ارتجاعی جنگ کم کم برای کارگران روشن میگردد.

تفاهای دوجناح رژیم و انعکاس آن در کارخانه نیز روز بروزها دتر میگردد. از آنجا که شیکه ما هیئت ارتجاعی حزب جمهوری اسلامی برای اغلب توده ها و از جمله کارگران این کارخانه آشکارا شده بود از آنجا شیکه نیروهای کمونیست و انقلابی در کارخانه نفوذ زیادی نداشتند، تقاد مذکور به نفع افزایش نفوذ بنی صدر، در کارخانه انعکاس می یافت. از طرف دیگر تولید کارخانه بعلت اختلافات و درگیری میان مدیران کارخانه و در رابطه با آن نرسیدن بارهای الزامی، تولید متوقف گردیده بود و بدین جهت مشکل بر راه انداختن کارخانه و جلوگیری از بیکار شدن، بر سایر مشکلات کارگران افزوده شده بود. مدیران دولتی کارخانه بعلت دزدی دانشم تعویض می شدند. انجمن اسلامی سعی میکرد در کارها بیشتر دخالت کرده و مدیران وابسته به حزب جمهوری را سرکارها بر می آورد. بدین منظور بنا ببندهای نیز از سوی رجا نشی بکارخانه میاید که با تعویض هیئت مدیره طرفداران آنها، این درگیریها نیز خاتمه میابد. اکنون بعد از گذشت پنج ماه از شروع جنگ، توهمات شوونیستی کارگران فرو ریخته و دیگر از شور و شوق کاذب دربار دفاع از میهن بر ما به داران، آثاری نیست. خواسته های صنفی کارگران دارد شکل میگیرد شورای فدکا رگری کارخانه که این مدت به همکاری با مدیریت پرداخته بود، کاملاً بی اعتبار شده و چندی پیش مجبور به استعفا میشود. انجمن اسلامی نیز نه تنها نتوانسته در میان کارگران با بگیرد، بلکه روز بروز رسوا تر میگردد. بطور خلاصه کارگران کارخانه توهمن در مورد اینکه کسی یا ارگانی از لایحه اید و وضعشان را بر ویرا کند، کاملاً درهم شکسته است و جنبه مناسی دارند تا یک کمونیست بروهای انقلابی به نیروی لایزال خودشان بی بر مبارزه ای اما نشان را بر علیه سرمایه داران مبارز میاید.

بقیه از صفحه ۲۹ توطئه های...
احتمال که آمریکا بتواند نتایج جدید طبقه بندی بحور در دنیا وارد وجود دارد. همانطور که در ایران بختیاری را شیک در قدرت نمود، اما آیا با این اقدام نیز میتوان از رشد انقلاب جلوگیری کرد؟ پاسخ به این سوال بستگی به اوضاع جنبش و رهبری آن دارد. اینکه آمریکا با به تکیه به بازرگانها و بیخشی های السالوادوری یا از طرف دیگر بتواند جنبش را در نیمه راه نگاه دارد، محتمل است چرا که در السالوادور حزب کمونیست وجود ندارد.

سوسا لیسماست بیگیرانه طی خواهند کرد. یا در فقیق بیگا رگر محمد، در دل زحمتکشان همیشه جا وید باد! یا در فقیق بیگا رگر محمد، در دل زحمتکشان همیشه جا وید باد!

۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

